

حق تعیین سرنوشت
حق مسلم خلیفها

یگار کردستان



شبه ۱ / ۲ / ۷۱ سازمان یگار در راه آزادی طبقه کارگر - کمینله کردستان قیمت ۲۰ ریال

Iranische Bibliothek

● اوضاع جامعه ●

و خطوط کلی تحلیل ما از موقعیت و حرکت رژیم در کردستان
جامعه ما همچنان آستان حوادث و وقایع نوین و پیشبینی نشده است. بعد از بیش از یک سال که از قیام ۲۲ بهمن و

سیر مقاله

ضرورت انتشار یگار کردستان و سخنی با هواداران

با یورش همه جانبه و سازمان یافته رژیم ضد خلقی و ارگانهای سرکوبگرش مانند ارتش، سپاه پاسداران، ژاندارمری بکردستان در اوایل بهار امسال، مرحله دیگری از مبارزات مستمر و طولانی خلق کرد در جهت کسب خود مختاری آغاز شد. جنبش حق طلبانه خلق کرد در طی سالیان دراز چه بر علیه رژیم وابسته شاه و چه در دوران رژیم جمهوری اسلامی، فراز و نشیبهای بسیاری را پشت سر گذاشته است. این مبارزات در هر مرحلهای بسته به اوضاع و احوال و شرایط، بقیه در صفحه ۲

تشدید مبارزه طبقاتی در جامعه

حرکت قهقراپی سازمان چریکهای فدایی بسوی روز یونیسف و انعکاس آن در شاخه کردستان

نئین در مقاله احزاب سیاسی هنگامی با وضوح تمام نمایان در روسیه میگوید "تقسیم هر جامعه‌ای به احزاب سیاسی

بیروزی پیشمرگان یگار در "میره ده"

یکبار دیگر کردستان تهرمان مورد یورش هیئت حاکمه ضد خلقی، ترار گزنت و نیروهای سرکوبگر آن بقیه در صفحه ۳۴

یادی از شهیدان

در صفحه ۳۵

مبارزه دهقانان بیلبلیهمان گندی

جلوهای از یگار طبقاتی در روستاهای کردستان
باتیام تود معاد بهمن ماه ۷۵ رژیم شاهخائن سرنگون شد. روستائیان کردستان همراهمایر زحمتکشان ایران فکر میکردند که بعد از این بیروزی بقیه در صفحه ۳۱

لوحة افتخار شهیدان

سازمان یگار در راه آزادی طبقه کارگر (در کردستان)

- ☆ عبدالکریم شربیانی شهادت ۶ اردیبهشت ☆ حسن (امیر) فقیر شهادت ۱۷ خرداد
- ☆ نجم الدین شیخی شهادت ۱۶ اردیبهشت ☆ مسعود ستایش شهادت ۱۷ خرداد
- ☆ لیلی مرادی شهادت اواسط خرداد ☆ عطاء طاطائی شهادت ۲۵ خرداد

پرقرار باد خود مختاری خلقها در چهار چوب ایرانی مستقل و دمکراتیک

سرفشاله ...

اما ویژگی مرحله نعلی و در نتیجه حساس بودن این مرحله در اینست که بطور مشخص، دو خط، دو جریان در نیروهای شرکت کننده در جنبش دیده می شود و خط یا جریان مقاومت و خط یا جریان سازش از قیام بهمین ماه به بعد در جریان پیشرفت جنبش مقاومت کارگران شهر و روستا دهقانان فقیر و اقشار باثبات خرده بورژوازی شهری که در مراحل اولیه این جنبش درک و تصویری کلی و مبهم از امر خود مختاری داشتند بتدریج در جریان مبارزات روزبرویشان به آگاهیشان افزوده گشته و قادر می شوند که بین خواستهای خود و دیگر اقشار و طبقات تفاوت قائل بشوند و بطور نسبی به این آگاهی برسند که درک آنها از خود مختاری با درک اقشار و طبقات ناپیگری، متزلزل و سازشکار متفاوت است، لذا در بین نیروهای جنبش مقاومت از آن نیرویی حمایت می کنند و آن نیروی را مورد تأیید قرار میدهند که سیاست، برنامه و تاکتیکهایش مطابق خواستهای آنها باشد. متقابلاً اقشار و طبقات متزلزل، ناپیگری و سازشکار بتدریج به علت ماهیت طبقاتیشان در جریان این گیری جنبش ماهیت سازشکارانشان را بیش از پیش آشکار می سازند. همچنین در جریان این گیری، اعتلا مبارزات طبقاتی در کل جامعه ایران و عملکردهای رژیم ارتجاعی حاکم در مقابل این مبارزات در برابر ایران زحمتکش کرد با این آگاهی می رسند که این رژیم دشمن زحمتکشان است، در حالیکه سازشکاران به ترس و هراس از این جنبش تودماری می افتند و در اینجاست که بدلیل مجموعه این عوامل در این مرحله، جریان نضندی نیروها در جنبش مقاومت خلق کرد شکل آنتنار و منبختتری به خود می گیرد. در یکطرف تصمم به مقاومت و در طرف دیگر تصمم به سازش*

اشکال ویژه ای بخشود گرفته است. گاه در شهرها به شکل اعتصاب و تظاهرات و یا جنبش مقاومت بوده و گاه در روستاها به شکل پارتیزانی تجلس یافته است. اما آنچه که در تمامی این مراحل بطور مشخص به چشم می خورد، تداوم این مبارزات و این یا بندگی آن می باشد. بخصوص ماههای قبل از قیام خونین ۲۲ بهمن ماه سال ۵۷، و بعد از حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی، جنبش مقاومت خلق کرد از شکوفائی و برامی برخوردار گردیده است. در طی این مدت خلق کرد با کسب آگاهی نسبی از ماهیت ضد خلقی هیئت حاکمه، بقدرت پیشمرگه هایش این نیروهای مسلح خلقی - توانسته است به بهای شهادت بسیاره دید - رها و ویرانیهای فراوان راه خود را در مبارزه اش ادامه دهد. امروزه آن وظیفه محوری و عمدتاً مایه در پیش پای نیروهای کمونیستی جنبش مقاومت خلق کرد قرار داده شده است. این راه عمیق و گسترده هر چه بیشتر این جنبش و پیوند زدن آن با جنبش سراسری کارگران، دهقانان و دیگر خلقهای تهرمان ایران و تأمین رهبری طبقه کارگر بر این جنبش است. این مهم، از طریق شناخت هر چه بیشتر ویژگی اصلی جنبش در هر مرحله و پاسخگویی انقلابی به آنست. اصولاً یکی از ویژگیهای مهم و سالب توجه جنبش مقاومت خلق کرد در بعد از قیام اینست که اقشار و طبقات شرکت کنند در آن، هر کدام بسه تناسب ماهیت طبقاتی شان و ماهیت تضادشان با رژیم حاکم مبارزاتی در نیروهای جنبش را دارا می باشند. باین معنی که نیروهای جنبش طبقی را تشکیل می دهند که هر کدام نمایند سیاست - آیدئولوژیک، اقشار و طبقات گوناگون می باشند. در مرحله یورش سال قبل رژیم بسه کردستان و این نیروها همگی در برابر این تهاجم به جنگ مقاومت دست زدند و لذا توانستند رژیم را وادار به شکست و عقب نشینی و مذاکره نمایند.

خط مقاومت معتقد است که این رژیم تن به آتش بسوزد اگر نخواهد داد مگر اینکه بقدرت مبارزات تودمعه و نیروی پیشمرگه

* در این نوشته ما قصد انرا نداریم این مسئله را بررسی کنیم که چرا بعضی از این نیروها طریقم ماهیت سازشکارانه اشان فعالانه در جنبش مقاومت شرکت کردند.

همانگونه که تجارب تاریخی مبارزات خلق کرد نشان داده است - بعد از شکستهای نظامی و سیاسی مجبور به اینکار گردید ، در مقابل خط سازش بدون توجه به این تجارب که دست آورد و خونهای شهیدای - بسیاری می باشد ، مطمح می سازد که بایستی با این رژیم که "ضد امپریالیست" است آشتی نمود ، بدون اینکه قید و شرطی در کار باشد .

خط مقاومت اعتقاد دارد که مبارزه ضد امپریالیست از مبارزه طبقاتی جاری در جامعه جدا نبوده و مبارزه بر علیه امپریالیسم و پیروژه امپریالیسم آمریکا از مبارزه بر علیه ارتجاع داخلی جدا نمی باشد . در مقابل خط سازش آب نظیر بر سر رژیم فعلی ریخته و صرفاً "وحدت عمل ملی" را در مقابل امپریالیسم آمریکا طرح می کند و با این ترد در حقیقت آشتی و سازش طبقاتی را تبلیغ می کند .

خط مقاومت با اتکا به نیروی بی زوال توده های عزیمت کس خلق کرد ، می خواهد صلیحی را به رژیم تحمیل کند که مطابق خواست توده ها باشد . اما خط سازش به تبعیت از تبلیغات و لجن پراکنیهای رژیم و حزب توده خائن ، نیروهای انقلابی را وابسته به بیگانه معرفی کرده و با قرار دادن این نیروها در کنار عوامل سر - سیرده رژیم شاه خائن و حکومت فاشیستی و ضد خلقی بعث عراق ، علامت ز بین انقلابی و ضد انقلابی را از بین برده و می خواهد از این طریق صلیحی را بوجود بیاورد که مطابق خواست رژیم و خودشان باشد . اینهاست بطور برجسته خصوصیات دو خط مقاومت و سازش .

امروزه آنچه که خطر عمده در جنبش مقاومت خلق کرد میباشد ، همین سمت گیری وسیع و آشکار نیروهای سا - ژشکار بسمت سازش و جمال لبالحه قرار دادن جانبا - زنها و فد اکا ریه های خلق کرد است ، لذا تقویت هر چه بیشتر خط مقاومت از طریق پیوند گسترده تر با توده مط - پیروژه زمینگشان شهر و روستا ، و افشا و متفرد نمودن

خط سازشها ابتدای تزلزلات و سازشکارهای آن ، اینست آن وظیفه محوری که امروز در برابر نیروهای راستین جنبش مقاومت خلق کرد قرار دارد .

امروزه ما بادرک ضرورت فوق و درک این ضرورت که بایستی نقطه نظرانمان را به شکل مدون و سازمان یافته ای در سطح جنبش مقاومت خلق کرد بطور وسیع تبلیغ و ترویج نماییم ، دست به انتشار این نشریه زدیم و در اینجا بطور مشخص روی سخنان با هواداران سازمان است که در گوشه و کنار کردستان - در شهر و روستا - در پیوند مبارزاتی با خلق کرد می باشند ، رفقای هوادار در این مرحله وظیفه دارند که دو خط موجود در جنبش مقاومت خلق کرد را برای توده ها توضیح دهند ، و فعلا نه نظرانی را که در این نشیه یک دیگر انتشارات سازمانی ، در این زمینه منتشر می گردد بیان توده ها بر نه و آنها را در جهت مقاومت هر چه پیشتر متشکل نموده و سازماندهی نمایند .



اوضاع جامعه

همچنان که ادامه داشته و در مواردی شدید نیز شده است ، سیستم سرمایه داری وابسته که علیرغم تغییر نظام سیاسی جامعه همچنان باقی است ، آنچنان دچار بحران و آشفتگی است که وارث آن یعنی هیئت حاکمه جمهوری اسلامی را علیرغم همه کوششهای سراری مهار کردن آن ، هر چه بیشتر با خود بسوی ورطه تلاشی و نابودی می کشاند . رژیم که در دوران - رژیم شاه ۲۵ تا ۳۰ درصد بود اکنون به میزان - وحشتناک ۵۰ درصد رسیده است . تبلور این رژیم و بحران شدید اقتصادی را در گرانی بیش از اند - از و کمبود یا نایابی بسیاری از اقلام مصرفی ضروری مردم و ناتوانی رژیم در مانع از رشد نرخ آنها - مراجعه کنید به "تذکر" در آخر همین مقاله!

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

من توان مشاهده نمود - انعکاس این وضعیت در میان توده مردم و بویژه زحمتگشان چیزی جز تشدید ناراضی آنها و گسترش حرکات اعتراضی و مطالبات آنها نیست این حرکات اعتراضی و مطالبات هر چند از همان فردای قیام وجود داشت، لیکن تشدید بحران و در نتیجه حدت تضاد، بقدری است که هر آن امکان انفجارهای کوچک و بزرگ - اعتراض در میان زحمتگشان که بار اصلی بحران و توهم را به دوش می کشند وجود دارد - رژیم جمهوری اسلامی همانطور که تا کنون شاهد بودیم، و بنا بر ماهیت بورژوازی خویش نشین قادر نیست زمینهها و علل این بحران و در نتیجه خود بحران را از بین ببرد، بلکه حتی قادر به تخفیف آنها نیست (۱) .

در این اوضاع هیئت حاکمه به دلیل ماهیت بورژوازی خویش اجبارا راهی جز حفظ سیستم سرمایه داری و بسته ندارد - بعبارت دیگر بورژوازی و خرده بورژوازی (۲) از حل تضاد فو قما جز بوده و این تضاد به جای خویش باقی می ماند .

اما مسئله به اینجا ختم نمی شود، رژیم حاکم توان و موقعیت تخفیف در حله ای و مقطعی این تضاد را نیز ندارد، علل این عدم توان را با - یستی در عدم داشتن هر گونه برنامه مشخص رفتاری، گسترش و سطح بالای جنبش توده ای و مطالبات آنها، عدم پشتوانه لازم از سوی امپریالیستها (۳) و بالاخره شدت وحدت بحرانی که رژیم با آن روبرو است جستجو نمود .

بعلاوه تضاد های درونی هیئت حاکمه و حربه کتجناسی های آن که امکان وحدت عمل کامل و حرکت مستمر گرا از رژیم سلب میکند، خود عاملی است در تشدید بحران و در مواردی نامزدن بیشتر به آن - نمونه این فاکتور اخیرا میتوان اشغال سفارت آمریکا دانست - حرکتی که در

عین در برداشتن نتایج مثبت برای هیئت حاکمه در کوتاه مدت (تشدید توهم توده ها و تساهل و دیما نعت از شکسته شدن آن) نتایج ناگوار منفی بسیاری در تثبیت موقعیت رژیم جمهوری اسلامی در متوسط و دراز مدت باقی میگذارد - بدون اینکه بخوانیم وارد بحث مفصل این نکته شویم، فقط یادآور میشویم که امروزه محاصره محدود اقتصادی از طرفه امپریالیستها و فشارهای دیگری که آنها بر رژیم وارد می کنند، اثر مستقیم و تشدید کننده در بحران سیاسی - اقتصادی که رژیم با آن روبروست دارد - زیرا سیستم وابسته اقتصادی جامعه در شرایط قطع یا بوجود آمدن اشکال در منابع تغذیه خویش بدون اینکه تکیه گاه مستقل یا مستحکم دیگری پیدا کند دچار تلاطمات و وقفه های شدیدی و نابود کننده ای میگردد -

در این اوضاع رژیم با حرکت گسترش یافته و سریع مبارزاتی توده ها و رشد آگاهانه آنها روبروست - این حرکت که نتیجه بلا فصل شکسته شدن توهم توده ها نسبت به رژیم در نتیجه تجربه مستقیم خود آنها و روبروشدنشان با حقایق و افشاگری های نیروهای انقلابی است، خود بر زمینه مادی بحران سیاسی اقتصادی فوق قرار دارد - در مقابل این حرکت رژیم تا توان از حل بحران و جوارگی بی خواستهای توده ها - جاره ای جز مرکب حرکت آنها ندارد - البته او میگوید و باسلا مختلف و با مشغول داشتن ذهن توده های مسائل غیر واقعی و انحرافی توسط برنامه های تبلیغاتی گوناگون و با وعده های توخالی، توهم توده ها را نسبت به خود حفظ کند - لیکن تجربه روزمره خود توده ها و همچنین نقش آگاهی دهنده نیروهای انقلابی بویژه کمونیستها فاکتورهای هستند که سرعت حرکات توده های رژیم را خنثی

رژیم جمهوری اسلامی در روند تکمیل ارگانهای قانونی و تثبیت موقعیت خویش که همراه موازی با سرکوب نهادهای انقلابی و توده ای و با زسازای ارگانهای سرکوب گرو ارتجاعی پیشرفته و میروید (یا بایستی بود) نمی توانست کردستان انقلابی را تحمل کند، بویژه اینکه کردستان بصورت عمده ترین و پیشرفته ترین پایه نگاه نیروهای چپ و اصولا انقلاب همچنان یا برجا مانده است. اینست که سرکوب جنبش مقاومت در کردستان به عمده ترین مسئله می-گزی رژیم تبدیل گردیده است.

موقعیت هیئت حاکمه

جنبش مقاومت خلق کرد

رژیم جمهوری اسلامی تا کنون توانسته است تشکلات توده ای انقلابی و مبارز در نقاطی که این تشکلات بعد از قیام یا گرفته بودند (شوزستان، ترکمن صحرا) درهم شکسته یا ضریب آنها هم بر آنها وارد سازد، در نظر هر آنها را خاموش کند و به اصطلاح خیال خود را بطور نسبی از آنها راحت سازد. تنها جایی که بصورت خاری در چشم هیئت حاکمه فرو میروید و او را شدیداً آزارد، جنبش مقاومت خلق کرد و عدم توان رژیم در برقراری حاکمیت نسبی خود در کردستان است. به همین دلیل در آستانه تشکیل مجلس شورای و در نتیجه کامل شدن ارگانهای قانونی رژیم جمهوری اسلامی، هیئت حاکمه با استفاده از جریانات بورژوازی آند، میان ایران و عراق (که با هدف مین خود به آن دامنه میزند) و دخالت نظامی آمریکا - یکا در ایران برای نجات گروگانها و امان زدن یک کارزار تبلیغاتی در راه طبعا این درگیری و از این طریق منحرف کردن ذهن توده ها و توجیه اعمال خویش در میان آنها، برنامه سرکوب کردستان

کرده و آنرا جمهوری به استفاده از ابزار سرکوب مستقیم می سازد. از آنجایی که حرکت آگس-هگرانه نیروهای انقلابی نه تنها نقش تأیید کننده تجربه مستقیم توده ها در ذهن آنها، بلکه نقش زمینه ساز و مستقیم توهم زدایی آنها را بازی میکند، رژیم برای حفظ توهم توده ها و در نتیجه حفظ موقعیت خویش، خود را قبل از همه مواجه با نیروهای آگاه و انقلابی و پیشروترین و سازش ناپذیرترین آنها یعنی کمونیستهای بیدار شده است. یا بی تبلیغات و حرکات ارتجاعی علیه نیروهای انقلابی و بویژه کمونیستهای ارگانهای تبلیغاتی و سخنرانی های سردمداران رژیم بیان روشن این امر است. امروز رژیم از هر وسیله و موقعیتی استفاده میکند تا نیروهای انقلابی و کمونیست را مورد حمله قرار دهد و آنها را در چشم توده ها از اعتبار بیاندازد.

در چنین موقعیتی و با توجه به تمام مسائل مطروحه درسطح فوق، رژیم نمی توانست در کردستان شاهد غیبت حاکمیت خویش و از آن با لا تر رشد روز افزون نیروهای کمونیست باشد. این اوضاع در کردستان، نه تنها باعث ارتقاء آگاهی و تشکل توده های وسیع مردم گرد و تشخیص دشمنان واقعی شان توسط آنها و در نتیجه جهت گیری بیش از پیش درست مبارزات آنها میگردد، بلکه کردستان بصورت سنگر مستحکم و دستاوری برای نیروهای انقلابی چپ، سمبل و نمونه برجسته مبارزه واقعی توده ها در جهت پسر آوردن خواستهایشان میشود. انقلاب است که تا تمام پایه های مانده است. وجود چپین پایه و الگویی برای نیروهای انقلابی و توده های بیدار شونده، خطر عظیمی برای هیئت حاکمه است. محکم در برابر تثبیت رژیم است که رسالت خود را سرکوب انقلاب با و با زسازای سیستم سرمایه داری وابسته قرار داده است.

را که از مدتها پیش در دستور کار خود قرار داده بود و برای آن تدارک میدید، به اجرا گذاشت. آنچه مسلم است مواضع جناحهای مختلف هیئت حاکمه از خمینی گرفته تا بنی صدر و فرماندهان مزدور ارتش، به روشی آنها نشان داده و میدهد اینستکه برنامه سرکوب کردستان به اصطلاح یکسر کردن کار آن مورد توافق همه این جناحها قرار گرفته و آنها میگویند در این حین عینک بایکدیگر هل کند. این موضع یگانه که بویژه با شروع حمله به سنندج و سقز مشخص گردید، در روزهای اخیر همراهمانطق که از صحبت های خمینی در ملاقات با سرهنگ مدبری و آیت الله منتظری در گفتگو با رادیو و همچنین سخنان بنی صدر در تریبیز من آمد کاملاً آشکار و هویداست. خمینی پشت از ارتش و پانصد اران در سرکوب "کار" و کسر - فتن سنندج تجدید می کند و از آنها می خواهد به حرکت خویش در این جهت ادامه دهند و برای تاکید بیشتر خواهان اجرای اصطلاح "بدون قید و شرط" نیز گردانند از طرف سران و رده های پایین می شود. آیت الله منتظری هرگونه مذاکره امر رد دانسته و اوست خواهد دانست تا به آخر سر می رسد. بنی صدر نیز در صحبت با سرهنگ مدبری و در سنندج حمله با رادیو همین مواضع را تکرار می کند. در حالی که می بینیم آنچه در حال حاضر در دستور روز رژیم قرار گرفته است برنامه همه جناحهاست و همه جناحها برای آن اتفاق نظر دارند.

اما دیدگاههای رژیم و جناحهای آن در ادامه این حرکت چیست؟

پا تو چه نگاه کنی که در فوق گفتیم و یا توجه به انسجام داخلی ارتش و بهتر بودن موقعیت آن نسبت به سال پیش، باید بگوئیم رژیم برنامه حد اقل خود

دشرا تسخیر شهرها و برقراری حاکمیت خویش در آنها هاتر از دادهاست. بعد از تسخیر سنندج بر ناهانش این خواهد بود که قدم به قدم شهرهای مختلف را به تصرف خود در آورد. اما رژیم میداند که اولاً در کردستان پایگاه مردمی ندارد و ثانیاً در صورت اشغال شهرها هنوز نتوانسته است جتیش مقاومت را سرکوب کند و روستاها پایگاه نیروهای سیاسی و رقیب آنهاست و این بدین معنی است که تسخیر شهرها همچون سال پیش نیست. ندمتله را حل کند و او را در شهرداران نخواهد بود. بنا بر این صرف استقرار در شهرها به "تضییع کردستان" خاتمه نمیدهد. در نتیجه با تجربه سال گذشته رژیم خواهد کوشید اولاً - برای خود در میان مردم کردستان پایگاه مردمی دست و پا کند یا حد اقل بدبینی مردم کرد را نسبت بخود از بین ببرد یا کاهش دهد. بر این مبنا نه انجام رژیم (که در توانش نیست) بلکه خرج میسالمختگی پول را در کردستان در دستور کار خود قرار داده است. تصویب ۲۰ میلیارد ریال از طرف سازمان برنامه و منابع دیگری در روزهای بعد در همین رابطه است. ثانیاً - برای برقراری حاکمیت خویش در روستاها برنامه سرکوب را به روستائیز خواهند گشاد تا ایتبار به اصطلاح کار را یکسره کند.

در مورد آنچه مربوط به تسخیر شهرها می شود رژیم در یک صورت نخواهد توانست برنامه خویش را بطور کامل به اجرا در آورد. در کردستان وضعی چند روز آینده ضربات مهیب بخورد مثلاً پادگان با نه و میوان سقوط کنند و به دنبال آن با مقاومت مهیب در دیگر شهرها رو برو شود. در دیگر نقاط ایران مرجی از جریانات اعتراضی نسبت به اوضاع کردستان (تظاهرات و تحصن های

مرگت بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلق های ایران

توده‌های و اعتراضات جمعی یا انفرادی از تصرف نیروها و شخصیتها و افشاکریمهای گسترده آنها و مبارزات توده‌های برای بقا و سرکوب و پیشگیری رژیم در کردستان در نظم گسترده در جامعه مطرح گردید و در این میان حرکات اعتراضات و تظاهراتی همان درون ارتش در رابطه با سرکوب کشتار خلق کرد نیز از اهمیت خاصی برخوردار است ۳- در سطح جناح از یکسری محدود خود این جریان تشریح شود در غیر این صورت رژیم قادر خواهد بود با توجه به تمرکز فراوان به خدمت گرفتن نیروی عظیم نظامی خویش در کردستان شهرها را به تصرف خود درآورد البته همینجا باید گفت که با توجه به عدم تعمیم نیروهای مسلح و انحرافات و ترلزلات نیروهای انقلابی که تاکنون در عدم انعکاس گسترده مسائل کردستان از طرف آنها به چشم می‌نورید و با در نظر گرفتن اینکه به وجود آوردن سه فاکتور فوق پیشنیاز عملی حرکت نیروهای آگاه و انقلابی ندارد احتمال بروز آمدن آن سه فاکتور در کوتاه مدت بسیار ضعیف و احتمال موفقیت رژیم در تصرف شهرها زیاد است و به احتمال قوی چنین خواهد شد اما در مورد ادامه برنامه رژیم با توجه به موقعیت نیروهای سیاسی عمده کردستان، بایستی قبلاً دیدگاههای جناحهای هیئت حاکمه را در این مورد مورد بررسی قرار دهیم.

راجع به آنچه سیاست جناح خرد بورژوازی هیئت حاکمه در نظر می‌شود، باید گفت که این جناح به دلیل عدم ذهنیت عقب ماندگی فکری از دروندیشی و ترغیب‌های بورژوازی برای حفظ سیستم و وضعیت غیر پایدار می‌شود و سیاست ارتجاعی کوری در رابطه با مسائل مختلف در دستور کارش قرار دارد - در رابطه با کردستان نیز همواره و امروز بطور مشخص با معین سیاست به میدان آمده است - مسئله آن در هم گسسته بودن و نابودی جنبش مقاومت به هر وسیله بدون

ملاحظاتی سیاستمداران بورژوازی و بکارگرفتن تاکتیکهای متفاوت در هر شرایط مشخص است و اگر هم مواقعی بعضی حرکات سیاستمداران بورژوازی از خود نشان داده است بیشتر تحت تاثیر مشورت نهادهای توصیه‌های عناصر بورژوازی بوده است. امروز در مورد کردستان نیز برای آن بکارگرفتن تاکتیکهای مختلف در مراحل گوناگون و توجه به اختلاف ماهیت نیروها مختلف در کردستان و اتخاذ تاکتیکهای لازم در این ارتباط مطرح نیست و در نظر آن همه این نیروها "شیطانهای کوچک هستند، هیچ نرفتی باهم ندارند و باید نابود شوند، براین مبنا فعلاً برای این جناح هرگونه مذاکره و مصالحه تاکتیکی حتی با بخش از نیروهای سیاسی کردستان مردود است. همچنین منتظری، خمینی و عناصر دیگری از این جناح موید این حکم است.

لیکن برای بورژوازی نیرال و بطور مشخص بنی صدر مسئله اینطور نیست - این جناح با دور اندیشی بورژوازی خود به افکار عموس "اهمیت میدهند متحدان اختلاف بیان: یوها هست معتقد به اتخاذ تاکتیک منطبق با شرایط است و میدانند در میدان جنگ با "پستی" سیاست بکار بردن بنوی صد تا کتون نشان داده است که برای حفظ جمهوری اسلامی و تحکیم موقعیت خویش قصد دارد سیاست "جناح و نشان شیرینی" و متمایز ساختن نیروهای مخالف در استان - ده از شکاف میان آنها را به اجرا درآورد (۱۰) البته بنی صدر تا کتون نتوانسته است این سیاست را آنطور که دلخواهش است پیاده سازد، ولی بعضی موفقیتها کوچک (مذاکره چندین باره با رجری و شرکت دادن او در "سینما انقلاب فرهنگی" - جریان مناظره تلویزیونی با نمایندگان و اعلام قبول طرح آماده‌های حزب دمکرات با اصلاحات و کشاندن حزب بدنبال خود) او را بسط اجسرای ایمن سیاست ترغیب نموده است - با این سیاست حرکت بنی صدر در رابطه با اوضاع کردستان با سیاست جناح خرد

بورژوازی دارای اختلافاتی است. این تفاوتها را میتوان در سخنان بنی صدر در تبریز مشاهده نمود. بنی صدر در حالیکه همان حملات شدید جناح دیگر را علیه خلق کرد و نیروهای سیاسی آن تکرار میکند و جنگ در کردستان را "جنگ میان اسلام و کفر" مینامد و خواهان "پاک شدن کردستان از وجود مفسدان" و "برقراری حاکمیت جمهوری اسلامی" میشود و میگوید "نه تسلیم میشویم و نه عقب میرویم"، اما همچنان به آنهاست که خود را صالح میدانند "اظهار میکند" در این جمهوری امکان آزادی بیگان دارند و می-توانند در بحثهای آزاد شرکت کنند" و "دستی که اسلحه را بر زمین بگدازد و بسوی برادری روند بگویند نشده خواهد شد". به این ترتیب بنی صدر در حالیکه "جماق" را با یک دست به هوا میبرد، با دست دیگر "شیرینی" را به رخ میکشد.

این سیاست در پرتو حرکت جناح بو-رژوازی چگونه متبلور خواهد شد. آنچه از سیاست بنی صدر و گفته های او بر می آید اینست که رژیم بعد از تصرف شهرها و بدست گرفتن یک موضع قدرت، برای حفظ موقعیت خویش به دو حرکت بلافاصله دست خواهد زد. اولاً "دلجوئی" از مردم خواهد پرداخت و خست خواهد کوشید با خرج میلیونی چند مردم را بسوی خود جلب کند و آنها را به خود امیدوار کند و ثانیاً برای بدست آوردن فرصت و تحکیم موقعیت خویش سیاستبنداکره و راه حل سیاسی را با نیروهای صالح "حزب دمکرات و ۱۰۰۰" را پیش خواهد کشید. اما نه برای سازش و دادن امتیاز به آن (قبول طرح ۶ ماده ای) بلکه برای وقت گذرانی و باز کردن شکاف میان نیروها و به این وسیله ضمن تحکیم تمسک خویش در شهرها زمینه سازی و تدارک برای یورش بعدی به نیروها

(و در درجه اول جناح چپ آن) در روستاها و به اصطلاح قلع و قمع نهائی آنها. اما چقدر رژیم در این برنامه خود میتواند با موفقیت روبرو شود. قبل از صحبت در این باره لازم است مختصراً به این مسئله که آیا سازش با حزب دمکرات و قبول خواستههای آن در برنامه رژیم قرار دارد یا نه اشاره ای بکنیم. در این مورد باید گفت چنین امری در دستور کار رژیم قرار ندارد و هدف آن تنها استفاده از حزب دمکرات برای رسیدن به برنامه اصلی اش که همانا سرکوب کامل جنبش مفاومت و برقراری حاکمیت کامل اش در کردستان است می باشد. چرا که به این دلیل که رژیم ما هیتائمی توان حتی طرح ۶ ماده ای حزب را مورد قبول قرار دهد. ما هیت و مسووعیت رژیم و حرکت آن تا کنون در رابطه با مسئله خلقها و مشخصاً خلق کرد نشان داده است که حد اکثر چیزی که رژیم به آن تن میدهد طرح خود گردانی است و حتی این طرح به دلیل تفکر خاص و عقیمانده آن (۶) مورد قبول جناح خرده بورژوازی نیست. بنابراین حرکت رژیم در رابطه با حزب دمکرات تنها استفاده از سازشکاری آن برای تسهیل حرکت اصلی و هدف نهایی اش یعنی ایجاد شکاف میان نیروها و سرکوب و نابودی آنهاست. این برنامه است که برنامه بورژوازی لیبرال و معمار آن بنی صدر است و جزئی از سیاست او را تشکیل میدهد.

ادامه حرکت رژیم

همانطور که گفتیم، رژیم میدانند که با تصرف شهرها نمیتوانند به جنبش مفاومت در کردستان خاتمه دهد. در نتیجه با توجه به برنامه اش که یکسره کردن "فضیه کردستان" است، حمله به روستا در جهت نابودی جنبش مفاومت بطور اخص

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست

و برقراری حاکمیت خود در کردستان بطور اعم
در دستور کار و برنامه اش قرار دارد .
آنچه مسلم است برای ارتش حمله به روستا ها
و جنگ در پهنه آنها به همان سبب نیست که
در پهنه شهر ها . در روستا و کوهستان جنگ
شکل یار تیزانی گرفته و به همین علت نیروی
پیشمرگه از موضع برتر برخوردار است . بعلاوه عدم
آشنائی و آمادگی کافی نیروهای ارتش با سدار و
برعکس شناخت و آمادگی نیروی پیشمرگه در جنگلهای
پارتیزانی در کوهستان و روستا و همچنین پشتبیا -
نی روستائیان از نیروی پیشمرگه همه عواملی هستند
که نیروهای سرکوبگر رژیم را در موقعیت ضعیفتر قرار
ار میدهند و آنها را با اشکالات جدی مواجه می
سازند . برآمدگی روستاها در سطح وسیع نیز
عامل دیگری است که به زیان نیروهای دولت کار
میگردد .

با توجه به اوضاع فوق رژیم در حمله به روستا بطور عمده
بر نیروی هوایی خود تکیه خواهد نمود . به این
ترتیب که با هلی کوپتر و هوا بیما یا یگانه و مقر -
های پیشمرگان در روستا و کوهستان مورد
حمله قرار میدهند و بمباران میکند یا به راکت سی
بندد . برای این امر رژیم احتیاج دارد تا از
موقعیت روستاها و محل های پایگاه های پیشمرگان
مطلع باشد . در این میان جاشها چه بصورت عناصر
پراکنده و چه بصورت متشکل که در "ما زمان پیش -
مرگان مسلمان کرد" گرد آوری شده اند میتواند
مورد استفاده قرار گیرند . رژیم خواهد کوشید
از طریق این خود فروختگان محل های تریبوسکان
نیروهای پیشمرگه را شناسایی کند و سپس توسط
هوا بیما یا هلی کوپتر آنها را بکوبد . البته
گفته فوق بدین معنا نیست که رژیم صرفا پایگاهها
و جاها بین که نیروی پیشمرگه مستقر است یا تردد
میکند را مورد حمله قرار خواهد داد - مسئله
اینست که در عین کوشش فوق ، رژیم جهت بوجود

آوردن رعب و وحشت در میان روستائیان و سوق
دادن آنها به قطع پشتبیا خود از پیشمرگه ها
یا محدود کردن این پشتبیا ، به حمله به روستا -
ها و بمباران آنها بدون اینکه هدف مشخص ضربه
زدن به نیروی پیشمرگه را دنبال کنند دست خود
اجد زد .

این حرکت رژیم در عین اینست که میتواند تا نیر -
ات معینی داشته و موجب بروز اشکالات و محدود
دیت های در حرکت نیروی پیشمرگه در روستا گردد
ولی قادر نخواهد بود با موفقیت رو برو شوند
آن ترس و وحشتی که حملات کور رژیم به روستا
در روستائیان بوجود می آورد با توجه به پیوند
روستائیان با نیروی پیشمرگه و آگاهی نسبی ای که
تا کنون روستائیان از طریق انشاکری های که
در بین آنها شده است نسبت به مسایل بدست
آورد آنهاند ، در نتیجه موفقیت های نیروی پیشمرگه
در ضربه زدن به دشمن و همچنین در اثر حرکات
مبارزاتی در شهر سرعت زایل خواهد شد و رو -
ستائیان اعتماد کامل خود را باز خواهند یافت
به این ترتیب با توجه به کلیه مطالب فوق و
با توجه به عدم توان رژیم در تثبیت استقرار خویش
در شهرها (بعد از توضیح خواهیم داد) میتوان
ان نتیجه گرفت که رژیم در حرکت بسط روستا
جهت تا بودی نیروی پیشمرگه و استقرار در روستا
موفق نخواهد شد و برنامه آن تا حد استقرار
اولیه در شهرها متوقف خواهد گردید .

حرکت رژیم در زمینه های اقتصادی ، سیاسی
و اجتماعی در دوران اشغال شهرها

با استقرار در شهرها ، رژیم در حرکت بعدی
خود خواهد کوشید یا به استقرار خود راستحکم
سازد . برای اینکار ، رژیم احتیاج به جلب مردم
بسوی خود و تأکید آنها نسبت به حضور خویش
دارد ، درد اصلی رژیم در کردستان اینست که
پایگاه بوده ای ندارد و امروز این امر بیش از هر

زمان به چشم میخورد. به این دلیل و آنچه به اینک رژیم میخواهد به هر ترتیب حاکمیت خویش را در کردستان برقرار کند و میدانند و تجربه کرده است که "راه حل نظامی" به تنهایی مسئله اش را حل نخواهد کرد، به دست و پا افتاده تا با تکمیل "راه حل نظامی" توسط "راه حلهای غیر نظامی" حرکت خود را در جهت تأمین حاکمیت اش در کردستان با موفقیت رو برو سازد. البته این ایده و نظر زنگنه بیشتر از طرف عنا صرحا قل - یوزووازی لبرال که با واقع بینی یوزووازی خود به اوضاع مینگری، بیان میشود و در میان آنها طرفند دار دارد.

دکتر مظفر پورتوما مشاور رئیس جمهور در راه - بطه با کردستان طی جریان اخیر در مساجه با کیهان ۳ خرداد ۵۶ در عین حمله به نیروهای چپ در کردستان و تکرار اینکه جنگ در کردستان "جنگ میان اسلام و کفر است"، اعلام میکند که پس از انجام این مرحله اکنون دارد صورت میگیرد (مشغور او به پایان رسیدن اشغال نظامی شهر - ها است) راه حل نهایی مشکل، راه حل نظامی نیست و باید که شش در چهار جنبه مختلف بطور هماهنگ انجام شود که این جنبه ها عبارتند از: ۱- جنبه عمران و آبادی منطقه کردستان مانند مناطقی دیگر نیست که امکان بهره برداری کم داشته باشد. امکانات کشاورزی و دامداری و تجسس برای معادن در این منطقه وجود دارد و تاکنون نادیده گرفته شده است و دولت باید با برنامه ریزی نشان دهد که علاقتند به عمران و آبادانی منطقه و ایجاد رفاه و آسایش برای مردم است. ۲- جنبه افزایش اطلاعات و آگاهی ها عمومی و سواد آموزی در منطقه کردستان باید با برنامه ریزی دقیق اقداماتی در جهت افزایش آگا

هی عمومی انجام شود و از سوی دیگر فعالیتهای نیز در جهت توجیه این مسائل که بین ترک بکود، شیعه، و سنی و ۰۰ اختلافاتی هم اگر وجود دارد حل شود و نقاط اشتراک افزایش یابد. تا بتدریج تفاهم حاصل شود این مسائل از زمین برد و از سوی دیگر باید مدارس دینی مختلف برای تقویت فقه تسنن تأسیس شود تا به تربیت مبلغ اهل سنت بپردازد، زیرا تا کون منطقه مبلغ اهل سنتندارد. در این رابطه همچنین باید گفت که رجال مسلکی وقتی در مورد کردستان صحبت میکنند نباید به کسانی که مورد احترام مذهبی مردم هستند اهانت کنند. ۳- اصلاح و ترمیم بعضی از مواد قانون اساسی ۴۰۰۰ - فعالیتهای علمی اسلام بسرای رفع اختلافات مذهبی و ۰۰۰ - پروتو مانه در ادامه صحبت های خود در مورد خود مختاری میگوید: "خود مختاری یکی از آرزوهای دیرینه مردم کرد است و از سوی دیگر مردم کردستان همیشه روابطشان و همگرایی شان با ایرانی ها بوده است بنا بر این هیچ دلیلی نمی بینم که مانع شود در چهار چوب یک کشور هماهنگی مردم دو - ست به کردستان بعنوان خود مختاری امتیازاتی تعلق گیرد. و طوری باشد که نظیر آن به سایر اقوام موجود در ایران هم داده شود تا انسجام کشوری از بین نرود" (تا کیلزام است).

صحبت های فوق از زبان مشاور رئیس جمهور در کردستان نشان میدهد که رژیم به ابتکار جناح یوزووازی لبرال قصد دارد بعد از تصرف شهرها با جنبه های اصلاح طلب و دلجوین از مردم کرد در جهت جلب آنها از این طریق بسوی خود وارد شود (۷) علاوه بر این منظور که در صفحات قبل گفتم طرحها می نیز در رابطه با نیروهای سیاسی جهت خشنی کردن و سپس از میدان بدر کردن آنها در نظر

تنگ و نفرت بر ارزش ضد خلقی و پاسداران ارتجاع

دارد. "پرتوماه" در ادامه صحبت‌های خود میگوید "من به رض جمهور پیشنه‌ها کردم اگر می‌خواهند خود مختاری بدهند راهش اینست که از نمایندگان اقشار مختلف مردم دعوت شود که در تهران اجتماع کنند و کنگره‌های تشکیل دهند و در آن انواع نقطه نظرها مورد بررسی قرار گیرد و حتی مناقشه شود تا فرمولی بدست آید که همه پسند باشد و مسکن است طرح ۶ ماده‌ای هم اساس قرار گیرد و پس از اصلاح حالت اگر پسندیده اجرا شود (تاکیدات ازجمله) رژیم برای اینکه بتواند با این جهره وارد شود مجبور است از سیاست سرکوب کور چشم پوشیده و سیاست سرکوب خود را به شیوه‌های معقول‌تری به اجرا درآورد و سعی کند جهره اصلاح طلبانه و دلجوین‌اش در مقابل مردم جلوه کند. چنین حرکتی خواست رژیم و بویژه خواست جناح بورژوازی لیبرال است و صحبت‌های "پرتوماه" و نکاتسی در صحبت‌های بنی‌صدر بیانگر آنست. ولی با توجه به عوامل متعدد رژیم قادر نخواهد بود این جهره را برای مدتی حفظ کند و آنرا به اجرا بگذارد. شرایط خاص موجود یعنی از یکطرف سطح بالای آگاهی و خواسته‌های توده‌ها در کردستان بویژه در شهرهای چون سنندج، مریوان، سنقر و... و شدت تضاد موجود میان رژیم و خلق کرد و وجود نیروهای پیشمرگه و ادامه ضربات آن به مواضع رژیم و از طرف دیگر تضادهای درونی هیئت حاکمه و وجود اختلاف نظر بر سر حرکت در کردستان و همچنین رشد مبارزه طبقاتی در سراسر ایران در نتیجه بحران اقتصادی حاکم جهره واقعی رژیم بر ملا شده و برنامه و حرکت اصلی و الزامی آن یعنی سرکوب سرعت تبلور خارجی یافته و به اجرا در خواهد آمد.

اما مسئله اصلی و اساسی در شکست برنامه رژیم همان عدم توان و خواست رژیم در جوابگویی به خواسته‌های اساسی خلق کرد و راه بطله آن با توده‌های مردم کرد است که در برنامه‌ها به مثلاً جناب "پرتوماه" ارائه داده است کاملاً مشخص

است و تا کون تیز به عنوان امر مسلمی در حرکت رژیم تبلور یافته است.

در برنامه‌ها به "پرتوماه" در زمینه مسائل اقتصادی اجتماعی و "فریب‌خی" در کردستان ارائه می‌دهد کوچکترین اشاره ای به مسئله ارضی و حل آن نشده است. انگار نه انگار که چنین مسئله ای در کردستان وجود دارد. مسائلی که مطرح می‌کند از امکان بهره برداری در زمینه کشاورزی (البته بدون حسل مستلزمی ۲۱) و دامداری و تجسس برای معاش و اینکه "دولت باید با برنامه‌ریزی نشان دهد که علاقتند به عمران و آبادی منطقه و ایجاد رفاه و آسایش برای مردم است" فراتر نرود. این تمام "برنامه" و اصلاحاتی است که "ایدئولوگ" مسائل کردستان و مشاور ریاست جمهوری برای مردم کردستان در چشمه دارد. این برنامه که یقیناً چیزی جز یک برنامه ناچیز رفاهی سطحی بیش نیست و بسیار هم کلی و مبهم است جوابگوی کوچکترین خواسته‌های مردم کردستان هم نیست. در این "برنامه" حتی انجام بعضی اقداماتی که بطور کلی در توان بورژوازی است (مانند ایجاد کارخانه و مراکز صنعتی یا دانشگاهی) نیز به چشم نمی‌خورد. البته بعنوان سخن معترضه باید گفت که اینان مسائل اساسی را فراموش نکردند و بمانند بفرگه بسط علم و تکنیک! این بود مانند و به همین دلیل در نکته دوم (یا بقول ایشان در جبهه دوم) بر لزوم ایجاد "مدارس دینی مختلفه برای تقویت فقه تشن" برای تربیت مبلغ اهل سنت تاکید دارند. اینکه "پرتوماه" هیچ‌گونه اشاره‌ای به مسئله ارضی نمی‌کند مفهومی دیگری ندارد جز اینکه رژیم به دلیل انکاش به فئودالها و زمینداران بزرگ در این زمینه "صحیح" از بهره برداری از امکانات کشاورزی و "تجسس معادن" نشان می‌دهد که مسئله آقای "ایدئولوگ" بورژوازی نه وجود آوردن یکسری امکانات و بهره برداری بعدی از آنها، بلکه استغناء از امکانات موجود یا امکاناتی که بوجود آورده‌اند، "زحمت" زیادی برای آقایان ندارد می‌باشد.

تأدی به هیچ حرکتی به نفع دهقانان نیستو برای حفظ پشتیبانی فئودالها و زمینداران بزرگ، و نوزجاندن آنها در این موقعیت حتی از صحبت در پیرامون این مسئله ظفره میروند.

با چنین "برنامه" ای و با توجه به موقعیت و ماهیت رژیم که قبلاً راجع به آن صحبت کردیم، کاملاً روشن میشود که رژیم جمهوری اسلامی نمیتواند و نه در برنامه‌اش هست که به اجرای رژیم در کردستان و اجرای یک برنامه اقتصادی، اجتماعی حداقل در کردستان دست بزند.

در ادامه بحث فوق در مورد علل اساسی شکست حرکت رژیم برای استقرار نسبی در کردستان و در ارتباط با بحث فوق این مسئله است که رژیم در کردستان و در میان توده‌های مردم هیچ گونه پایگاه توده‌ای ندارد. این مسئله فاکتور بسیار مهمی است که استقرار (ثبیت) رژیم را در کردستان (شهرها) غیرممکن می‌سازد. پشتیبانان رژیم در کردستان محدود است به عناصر خود فروخته (جاشها) زمینداران بزرگ، فئودالها و عناصری که دشمنان خلق کرد بوده و توده مردم شدیداً از آنها متنفرند و آنها را دشمنان آشتی‌ناپذیر خود میدانند.

در مورد مسئله ملی و خود مختاری نیز که یکی از مسائل اصلی و ملموس برای خلق کرد است رژیم نمیتواند آنها حل کند و نمی‌خواهد آنها برسیست شناخته و حتی یکسان بطور جدی برخورد کند.

"پرتوما" در همان مصاحبه از "خود مختاری" و امکان اساسی قرار گرفتن طرح ۶ ماده‌ای حزب دمکرات سخن می‌گوید اما اولاً او از دادن خود می‌گفتا صحبت نمی‌کند بلکه از اینکه "به عنوان خود مختاری امتیازاتی تعلق گیرد" حرف می‌زند ثانیاً راه دادن آنها را از طریق مذکور با نیروهای سیاسی و نمایندگان مردم کردستان (حتی صرفاً حزب دمکرات) -

بلکه می‌گوید "راهش اینست که از نمایندگان اقتدار مردم دعوت شود که در تهران اجتماع کنند و کنگره‌ای تشکیل دهند و در آن انواع نقطه نظرها مورد بررسی قرار گیرد و بحثی مناقشه شود تا فرمولی بدست آید که همه پسند باشد ۰۰۰" بعد اضافه می‌کند که نمایندگان احزاب و سازمانها نیز حضور داشته باشند یعنی آشی که با نظارت خلق کرد و نمایندگان آن (البته اگر چنین طرحی را هم پیاده بکنند) توسط بورژوازی لیبرال و خرده بورژوازی مرفه‌ستنی بختی می‌شود اما این "آشی" که همان "امتیازاتی است که بعنوان خود مختاری تعلق می‌گیرد" چیزی بیش از "طرح خود گردانی" نیست و نمی‌تواند باشد.

این را در "برنامه" و صحبت‌های "پرتوما" و در رابطه با خود مختاری شیوه‌ای که ایشان برای رسیدن به آن پیشنهاد کرده است و همچنین ملموس‌تر از آن در براتیک یک سال اخیر هیئت حاکمه در بر خورد به مسئله خواست خود مختاری از طرف خلق کرد، می‌توان مشاهده نمود. رژیم نشان داد که حد اکثر امتیازاتی که رژیم قادر است بدهد همان طرح کف است "خود گردانی" است و از آن فراتر نمی‌رود.

به این ترتیب همانطور که قبلاً اشاره کردیم رژیم نه تنها طرح ۲۶ ماده‌ای بلکه حتی قادر و حاضر به قبول طرح ۶ ماده‌ای حزب دمکرات نیز نیست و صحبت "پرتوما" مبنی بر "امکان قرار گرفتن طرح ۶ ماده‌ای به عنوان اساس بحث" چیزی - قابل ذکر است که طرح "خود گردانی" که محتوای آن چیزی جز برقراری سیستم عدم تمرکز اداری به علاوه بعضی مسایل جزئی نیست و مورد اعتراض جناح خرده بورژوازی است و بعضی نمایندگان این جناح، دولت بازگان و فرورهر به خاطر دست یازیدن به مذکورانی که به ارائه این طرح از طرف دولت انجامید را خیانت می‌خوانند.

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست

جزئیات موضوع تا کنون برای امیدوار کردن حزب دمکرات و کشاندن آن بدنبال خود وجه الصالحه قرار دادن آن معنی دیگری ندارد. آن اصلاحاتی هم که رژیم میخواد در آن وارد کند اینستکه این طرح را مثله کرده و آن را با محتوای طرح "خودگردانی" و به شکل دیگر ارائه دهد.

به این ترتیب رژیم علیرغم عده و رویدادهای بسیار و حتی خرج مبالغ زیاد پول و بعضی اقدامات رفاهی و ارائه دوباره طرح کذابی "خودگردانی" (حد اکثر کاری که میتواند انجام دهد) و تسادری نیست کوچکترین خواستههای خلق کرد را جواب دهد. این امر همچنین بدین معنی است که رژیم اجبارا و لزوما یا یستی برای حفظ استقرار خویش در شهرها بر جماق سرکوب بیش از پیش تکیه کند - هر کس که باز هم شکاف میان توده های خلق کرد و رژیم را افزایش خواهد داد.

وضعیت توده ها و حرکت جنبش توده های

در کردستان

خلق کرد بایست سرگرداشتن یک دوران مبارزه سیاسی - نظامی که بصورت جنبش مقاومت خلق کرد متبلور گردید و بسر بردن در یک وضعیت انقلابی، امروز بطور نسبی در شرایط بالایی از آگاهی و تشکل و آمادگی مبارزاتی بسر می برد. طی جنگ مقاومت توده های خلق کرد علیرغم نفوذ نیروهای بورژوازی و خرد بورژوازی در جنبش مقاومت، توانست صحنه های پرشوری از مبارزه بیافریند (مقاومت سقز در دوره اول جنگ مقاومت و مقاومت دلاور مردم مستند در دوران اخیر) و سطح بالایی از آگاهی و تشکل را به نمایش بگذارد (تحصن ۳۰ روزه مردم سندهج و بوجود آوردن نهاد های انقلابی مانند بنکها) اینها و مبارزات مسلحانه پیشمرگان همه تجربیات برابری است که برغضای سنت مبارزاتی خلق کرد می افزاید و آنرا در مبارزه برای کسب حقوق واقعی خویش آبدید مشر میسازد. اکنون بخش مهمی از مردم کرد نسبت به ستم

که در دوران رژیم شاموقبل از آن بر آنها رفته و حقوقی که باید داشته باشند آگاهی یافته اند، و این آگاهی در نتیجه فعالیت آگاهانه نیروهای سیاسی در کردستان طی دوران اخیر به مقدار زیادی تا حد زیادی افزایش یافته است. بر این مبنا عدم پاسخگویی رژیم جدید یعنی جمهوری اسلامی به خواسته های خلق کرد (که قبلا راجع بحمل آن صحبت کردیم) و برعکس سرکوب و کشتار آن و فعالیت وسیع نیروهای انقلابی در کردستان به سرعت حرکت و برنامه رژیم جدید را برای توده های خلق کرد آشکار نمود. طی این مدت توده های کرد نسبت به جمهوری اسلامی فروریخت و آنها را واداشت تا به مبارزه برای کسب حقوق خویش ادامه دهند.

رژیم جمهوری اسلامی آنچنان به ضدیت با خلق کرد و خواسته های آن برخاسته و چنان سرکوب و کشتاری در کردستان برآورداخته که کوچکترین جایی برای قبول خویش از طرف توده های کرد باقی نگذاشت و چه بسا توده های ناآگاه در مقایسه رژیم جمهوری اسلامی بسا رژیم شاه و اولی را دشمن سرسختتری برای خود یافتند. آنها سرکوب و ستم فاشیستی ولی پنهان رژیم شاه را در دوران رژیم جمهوری اسلامی بصورت آشکار و وحشیانه - اثری که فرزندانش، خویشان و آشنایان آنها را در ابعاد دهمها و صد ها نفره نابودی می کشاند و شهبس و دیارشان را به ویرانه تبدیل می نمود و بی نماینده مشاهده میکنند بود و مطلق ساده و تجزیه خویش رژیم فعلی را درنده تر و ارتجاعی تر می یابند. این وضعیت با گستردن ابعاد سرکوب و کشتار که هم اکنون شاهد آن هستیم باز هم بیشتر تشدید می شود. آنها رژیم حاکم فعلی را نه حامی مستضعفین "میدانند و نه" اسلامی " آنها در زندگی روزمره و عینی خویش به این نتیجه گیری رسیدند اند. آنها در حالیکه مسلمان هستند و مثل همیشه اعتقادات و اعمال مذهبی خویش را حفظ کرده اند، بسا آفوش بازگونیستها را استقبال می کنند و با تمام وجود از آنها پشتیبانی می کنند. آنها کونیستها را مسلمان تر از رژیم جمهوری اسلامی می دانند. همه اینها به دلیل دلیلی که آنها در زندگی روزمره و عینی خویش

کمیونتها را مدافع و در کنار خویش یافتمند . مسئله نوق را فقط برای تبلیغ نمی گوئیم ، بلکه مهمتر از آن به این جهت آنرا مورد توجه قرار می دهیم که بیانگسر وجود صفت بندگی (یا حداقل زمینهای وسیع و عمیق صغیندی) طبقاتی و سمت صحیح حرکت نه هنی تود نقط خلق کرد است . آنها از آنکس دفاع و پشتیبانی میکنند و سمت حرکتشان در تأیید کسانی است که مدافع منافع طبقاتی آنان هستند و نه مدافع طبقاتی و مسلک سنتی شان با یک چنین وضعیت نه هنی و شرایط عینی است که امروزه تودمهای خلق کرد در سطح پایین از پتانسیل انقلابی و خواست کسب حقوق اساسی خویشند .

هم نمونه مقاومت دلاورانه مردم سمنج و شیر و شوق و پتانسیل قدرتمند انقلابی آنها را میتوان شاهد مثال آورد .

بر این اساس و با توجه به وجود سازمانهای جنبی انقلابی بویژه نفوذ روزافزون نیروهای اصلیل مارکسیست - لنینیست که مسلحانه در کنار و پیشاپیش تودمها میانه مبارزه ادامه می دهند و به دلیل عدم توان و خواست رژیم در پاسخگویی به خواستهای عمیق خلق کرد به دلالتی که قبلا ذکر آنرئت ، نه تنها رژیم قادر نخواهد بود با سرکوب و گشتار حرکت مبارزاتی تودمهای کرد را متوقف سازد ، بلکه با حرکت ضد خلق و سرکوب و حشیا سانه خویش باعث کینه باز هم بیشتر خلقی کرد نسبت به خود و راسختر شدن همن آنها در ادامه مبارزه خواهد شد . چنین وضعیت را ما به خوبی در حرکت تودمهای خلق کرد در برابر سرکوب و گشتار رژیم شاه طی دوره مبارزات یک ساله و نیم قبل از قیام شاهد بودیم . سرکوب و حشیا سانه های که هم اکنون در جریان است میتواند بطور موقت و زودگذر رفته یا وقتهائی در حرکت رشد یابنده مبارزات خلق کرد ایجاد کند . ولی قادر نخواهد بود آنرا متوقف یا با یک دوره رکود طولانی یا متوسط مدت مواجه سازد . زمینههای مادی ادامه جنبش مقاومت در کردستان بر بیشتر زمینه مادی رشد و اوجگیری جنبش تودمهای

سراسر ایران همچنان موجود بوده و رژیم حاکم قادر به از بین بردن آن نیست . آنچه می ماند زمینههای نه هنی آنستکه در عین فراهم بودن نسبی آن که قبلا به آن اشاره کردیم - همچنان باید پرورش یابد و سمت آن هر چه بیشتر در جهت یک مبارزه طبقاتی واقعی سوق داده شود . به عبارت دیگر نقش نیروهای مارکسیست - لنینیست در بردن آگاهی طبقاتی در میان تودمها و تلقیق درست مبارزه ملی با مبارزه طبقاتی عامل اصلی در این پرورش خواهد بود . آنچه مسلم است چنین حرکتی از طریقه نیروهای اصلیل مارکسیست - لنینیست از کانال مبارزه با نظرات نیروهای پررویشی و خرد بورژوازی و زدودن آنها از ذهن تودمها و جنبش آنها جهت بدست آوردن هژمونی ایدئولوژی پرولتری در جنبش مقاومت که تنها ضامن پیگیری و به پیروزی رساندن آنست میگردد .

تذکرات

مقاله یک در مورد کردستان ملاحظه میکنید ، مدتیست که از نگارش آن میگذرد . این مقاله کوشش است در توضیح حرکت رژیم جمهوری اسلامی و همچنین حرکت جنبش مقاومت خلق کرد در حال حاضر و روند ادامه آن . اکنون که مدتی از نوشتن مقاله میگذرد اتفاقات و وقایع پیش آمده صحت پیش بینی ما را در مورد روند اوضاع در کردستان نشان میدهد .

هیئت تخریبیه

توضیحات

(۱) - در واقع حل نهایی این بحران که بحران سیستم سرمایه داری وابسته است تنها با نابودی این سیستم و درهم کوبیدن مناسبات سرمایه داری وابسته امکان پذیر و عملی است ، زیرا تضاد میان رشد نیروهای مولد و مناسبات حاکم (مناسبات سرمایه داری وابسته) که به مرحله آناتوژیسم در سالهای ۵۷ - ۵۶ کشیده شد همچنان موجود است و حتی به دنبال تفسیر و

در برابر سرکوب و گشتار رژیم شاه طی دوره مبارزات یک ساله و نیم قبل از قیام شاهد بودیم . سرکوب و حشیا سانه های که هم اکنون در جریان است میتواند بطور موقت و زودگذر رفته یا وقتهائی در حرکت رشد یابنده مبارزات خلق کرد ایجاد کند . ولی قادر نخواهد بود آنرا متوقف یا با یک دوره رکود طولانی یا متوسط مدت مواجه سازد . زمینههای مادی ادامه جنبش مقاومت در کردستان بر بیشتر زمینه مادی رشد و اوجگیری جنبش تودمهای

پیروزیاد جنبش مقاومت خلق کرد

انتشار پیام مشترک از طرف سازمان چریکهای فدایی خلق و حزب دمکرات کردستان ایران بودیم. بار دیگر بنی صدر در صحبت بعدی اش حرکت این دو نیرو را تأیید کرد و آنها را "منطق" خواند و از "شرعقل" آمدنشان ابراز مسرت کرد. اکنون رسانهها گروهی اعلام می کنند که طرح ۶ ماده ای با اصلاحاتی برای حل مسئله کردستان اعلام خواهد شد.

(۶) منظور از عبارت فوق تفکر حاکم بر خرد بورژوازی مرفه سنتی است که همان اسلام ۱۴۰۰ سال پیش و برداشتهای آن در این کادراست. بر مبنای این تفکر خرد، بورژوازی مرفه سنتی هیچ اعتقادی بسه وجود ستم ملی بر اقلیتهای ملی ندارد و همه را جز "امت اسلامی" که هیچ فرقی میان آنها نیست و همه آنها در ستمی که برایشان روا رفته است ساوی اند، قرار می دهند. ملاحظیهای مختلف خمینی مبنی بر اینکه مردم جنوب شهر تهران ستم بیشتری کشیدند و وضعشان از مردم کردستان بدتر است و... همه بیان چنین تفکری است (۷) - این عدم توان رژیم را بخوبی می توان در بهانههای که اکنون می آورد مشاهده نمود. اطلاعات ۱۰ خرداد ۵۹ تحت عنوان "تقسیم زمین در کردستان بزودی آغاز خواهد شد" از قون خوانساری یکی از اعضای "ستاد مرکزی نظارت بر اجرای اصلاحات ارض اسلامی در سراسر ایران" در مورد تقسیم زمین در مناطق اطراف سنندج می نویسد: "ما سایل مربوط به زمین را در این شهرستان مورد بررسی قرار دادیم و فعلا امکان تشکیل هیئت ۷ نفری برای تقسیم زمین وجود ندارد، اما به محض اینکه توانستیم امنیت را بطور کامل در منطقه برقرار کنیم و جلوی اقدامات احتمالی فئودالها را بگیریم کمیته ۷ نفری تشکیل و تقسیم زمین آغاز خواهد شد (تأکیدات از ماست). در این سخنان به دست توضیح بیشتری می توان دید که رژیم تنها میتواند وعده "سرخین" بدهد و از اجرای وعده های خویش کاملا ناتوان است. ۱۰ خرداد ۵۸

تحولات سیاسی در سطح جامعه بعد از قیام بهمین ۵۷ تشدید نیز یافته است. در واقع حل بحران سیاسی - اقتصادی جامعه ما در دوران رژیم شاه تنها با یک انقلاب اجتماعی امکان پذیر بود. در حالیکه تغییر و تحولات به وجود آمده در جامعه تنها یک انتقال قدرت سیاسی از دست بورژوازی کبیر ادور به دست بورژوازی لیبرال و خرد - بورژوازی مرفه سنتی - سرمایه داری و وابسته به جای خود باقی ماند.

(۲) همه جا وقتی از خرد - بورژوازی صحبت می شود منظور خرد - بورژوازی مرفه سنتی است در غیر اینصورت آنرا مشخص خواهیم کرد.

(۳) منظور اینست که امپریالیسم به دلیل عدم تثبیت قدرت حاکم و نداشتن محیط امن برای سرمایه گذاری و سرازیر کردن کمکهای اقتصادی در نتیجه وجود یک جنبش توده ای و حرکت بخشی از قدرت حاکم خرد - بورژوازی - که عدلی شدن میان روابط میان حکومت جدید و امپریالیسم را دچار اشکال می سازد حاضر به سرمایه گذاری جدید و اعطای کمکهای اقتصادی نیست و حتی با خروج سرمایه های خود یا عدم ادامه سرمایه گذاریها و کمکهای سابق بحران سیستم حاکم را تشدید می کند. (۴) منظور از بهتر بودن موقعیت ارتش اینست که نسبت به سال پیش رژیم توانسته است تا حدود زیادی "نظم" و "انضباط" را در میان ارتش که در اشد قیام توده معا در هم ریخته بود به آن بازگرداند و همچنین شوراها و انقلابی و مترقی پرسنل جز" را به مقدار زیادی سرکوب یا خشن نماید. بعلاوه "سپاه پاسداران" نیز این مدت توانسته است شکل بگیرد و انسجام بیشتری پیدا کند و در همین ارتباط هماهنگی بیشتری در ادامه سیاست خود در کردستان یعنی سرکوب خلق کرد با ارتش پیدا نماید.

(۵)

حالت این حکم و پیش بینیها اکنون میتوانیم بخوبی ببینیم بنی صدر در مصاحبه رادیو تلویزیونی در صحبت هایش در این جهت سخن گفتند نیال آن شاه شد

توضیح ۱

مقاله تشدید مبارزه طبقاتی در جامعه و ...
قبل از انشعاب در "سازمان چریکهای فدائی خلق ایران" نوشته شده است. بنا بر این در طول مقاله هر کجا از "سازمان چریکهای فدائی خلق" صحبت شده است منظور دوران قبل از انشعاب اخیر است و روشن است که برخورد آن متوجه نظرات حاکم (رهبری) بر سازمان بوده است.

تشدید مبارزه طبقاتی ...

لنین در مقاله "احزاب سیاسی در روسیه" میگوید "تقسیم هر جامعه‌ای به احزاب سیاسی هنگامی با وضوح تمام نمایان می‌شود که بحرانهای عمیق تمام کشور را متشنج ساخته باشد، در چنین مواقعی دولتها مجبور می‌شوند در بین طبقات مختلف جامعه تکیه‌گاهی برای خود جستجو کنند. مبارزه جدی هرگونه عبارتتجدازی و هرگونه ریزمکاری در هرگونه تظاهری را از سر راه خود به کناری می‌انگند" و چند سطر بعد ادامه می‌دهد: "همیشه در دوران چنین بحرانهایی است که گروه‌بندی‌های حزبی نیروهای اجتماعی برای سالهای زیاد و حتی برای دهها سال تعیین می‌شود. مثلاً در آلمان نمونه چنین بحرانهای جنگهای سالهای ۱۸۶۶ و ۱۸۷۰ در روسیه حوادث سال ۱۹۰۵ بود. بدون مراجعه به حوادث سال ۱۹۰۵ نمیتوان به ماهیت احزاب سیاسی کشور ما پی برد و نمیتوان برای خود روشن نمود که فلان یا بهمان حزب در روسیه نماینده کدامیک از طبقات است" (تاکید از لنین).

اکنون اوضاع جامعه ما و روند حرکت آن به گونه‌ایست که هر روز بیشتر شاهد این وضوح در تقسیم بندی جامعه به احزاب سیاسی مختلف و تعیین گروه‌بندی - بی‌های حزبی نیروهای اجتماعی و خلاصه اینکه این

یا آن جریان نماینده کدامیک از طبقات اجتماعی است می‌باشیم. به عبارت دیگر تشدید بحران سیاسی اقتصادی موجود در جامعه و در نتیجه تشدید مبارزه طبقاتی در آن، باعث می‌گردد قطب بندی طبقاتی در میان نیروهای سیاسی موجود انحصار بیشتری یافته و مشخص‌تر گردد. به این ترتیب در آینده نزدیک بایستی منتظر حوادثی باشیم که این گروه‌بندی را که اکنون در نتیجه بعضی حوادث و جریانها در درون جامعه بروز خارجی و مشخصی یافته است "برای سالهای زیادی و حتی دهها سال تعیین کند".

در واقع مسئله اینست که بازتاب اوضاع جامعه ما در درون جنبش کمونیستی ایران طی دوران پس از قیام بهمن ۵۷ تا اکنون، و آنچه هم امروز در جامعه ما می‌تدرد، در حال حاضر ما را در مقابله این وضعیت قرار داده که جریانها درون جنبش کمونیستی ایران بین‌از پیش‌سخت‌گیری طبقاتی موقوت مشخص کرده و صف جریانها مارکسیستی اصل از جریانها غیراصیل "مارکسیستی" جدا می‌گردند و حرکت جریانها غیراصیل "مارکسیستی" اساساً بصورت بریدن این جریانها از ابتدائی‌ترین اصول مارکسیسم - لنینیسم در باره طبقات و مبارزه طبقاتی و تقابل ترها و نظرات رونیونیستی و رفرمیستی متبلور می‌گردد. اکنون رونیونیسم خروشیفی که بد رستی از طرف مارکسیست - لنینیستها بعنوان خطر عمده در درون جنبش کارگری و کمونیستی معرفی می‌گردد و می‌گردد با نفوذ و غلبه در بخش مهمی از جنبش کمونیستی ما، بصورت خطری بالقول در آمد مو بشت آنها تهدید می‌کند. رهبری سازمان چریکهای فدائی خلق به دنبال یک دوران حرکت نوسانسی میان مارکسیسم و رونیونیسم و در واقع میان بولتاریا یا و جزواری، به دلیل ماهیت تفکر و شی سیاسی حاکم بر آن در مقابل شد گیری مبارزه طبقاتی را

پرچم مبارزه آید فولوژیک را بر افراشته تر سازید

حدت یافتن تضاد میان بورژوازی و طبقه کارگر بطور اخص و زحمتکشان بطور اعم و بعبارت دیگر در مقابل سنگینی بار انقلابی که ناتمام مانده است، قدمهایی به لژ به می افتد و ندای تسلیم و سازش در می دهد و در مقابل بورژوازی جبهه به زمین می ساید. این تسلیم و گزینش رهبری سازمان چریکهای فدائی خلق در عرصه مبارزه طبقاتی به شکل ارائه ترها و نظرات تسلیم طلبانه و رونیستی و قرار گرفتن در جبهه رونیستها و سازشکاران بروز پیدا می کند و بسرت آنرا در مقابل نیروهای مارکسیست لنینیست و جبهه نیروهای انقلابی قرار خواهد داد. در اینجا قصد ما بررسی حرکات سازمان چریکهای فدائی خلق بطور کلی و برخورد به نظرات و حرکات آن نیست، این امر را تاکنون سازمان ما انجام داده و پیگیرانه ادامه خواهد داد. برخورد و بررسی ما در اینجا به بررسی و تحلیل حرکت سازمان چریکهای فدائی خلق در ارتباط با کردستان و جنبش مقاومت خلق کرد بطور مشخص روند حرکتی که این سازمان در این ارتباط تا کنون داشته است محدود می شود بدون شک حرکت عملی و نظری سازمان چریکهای فدائی خلق در رابطه با کردستان جدا از حرکت عمومی آن نیست و برخورد ما نیز چنین نخواهد بود (مسئله اینست که ما در اینجا صرفاً این جنبه از حرکت این نیرو را بطور مشخص مورد برخورد و بررسی قرار خواهیم داد). لژ و ضرورت این امر در رابطه است با شرکت این نیرو در جنبش مقاومت خلق کرد تا کنون و نتایجی که حرکت امروز سازمان چریکهای فدائی خلق در رابطه با مبارزات خلق کرد و نیروهای سیاسی سهم در آن باقی می گذارد. قبل از پزیدن بحث به بحث اصلی لایم به یاد آوری است که به دلیل در دسترس نبودن مجبوره انتشارات سازمان چریکهای فدائی خلق در رابطه با کردستان، نوشته ما دچار کمبود و نقائص خواهد بود. لیکن ما می گوئیم یا تکیه بر همان مقدار اسنادی که در دست داشتیم تا حد

امکان برخورد همه جانبه ای داشته باشیم و خطوط اصلی حرکت سازمان چریکهای فدائی خلق را در ارتباط با جنبش مقاومت خلق کرد و چگونگی انعکاس حاکمیت جریان رونیستی در سازمان را در این ارتباط و در شاخه کردستان آن روشن گردانیم.

تندیج مبارزه طبقاتی

و حرکت "انقلابی"

سازمان چریکهای فدائی خلق (شاخه کردستان)

در دوران یورش اول هیئت حاکمه به کردستان در مرداد ۵۸ هـ که فرمان آیت الله خمینی انجام گرفت سازمان چریکهای فدائی خلق "به ارتجاع حاکم" معتقد بود و در مورد حمله آن به کردستان در گزار ۲۲ به تاریخ ۲۶ شهریور ۵۸ در مقاله "کفرانسیس وحدت ... من نویسد" اما ارتجاع حاکم یورش وسیع خود را برای پایمال کردن دستاوردهای قیام و آزاد بیهای بدست آمده و به بند کشیدن زحمتکشان و سرکوب مبارزات حق طلبانه خلقها آغاز کرده است و در ادامه می گوید: "چنانچه ارتجاع حاکم موفقی شود کردستان را به خاک و خون بکشد و جنبش مقاومت خلق کرد را از پای د آورد جاقوی امپریالیسم که در جریان قیام از کار افتاده بود از نو به کار افتاده و سرکوب همه نیروهای انقلابی حتی لیبرالها و محافظه کاران میانرو نیز تا حد امکان پیش خواهد رفت. تضاد های موجود رژیم بنفع مترجمت ریبین جناح آن حل خواهد شد و تحت پوشش ولایتخفیه یک دیکتاتوری فاشیستی بر مردم تحمیل خواهد شد اما اگر در کردستان تیر ارتجاع به سنگ بخورد ... بویژه شبه کودتایی که بسود جناح ارتجاعیتر رژیم در اواخر مرداد صورت گرفت با اعتراض ضد پتر از - جانب جناحهای دیگر هیئت حاکمه مواجه خواهد شد" (تاکیدات از ماست) در نقل قولهای فوق مشاهده می کنیم که اولاً "سازمان چریکها" هیئت حاکمه را ارتجاعی معرفی می کند که خواهان نابودی جنبش مقاومت خلق کرد است و آن را تیز کننده جاقوسی

پذیرش هیئت نمایندگی خلق کرد، انحلال سپاه پاسداران در کردستان، خلع سلاح مزدوران مصلحتی، تقبل جبران خسارت از طرف دولت و بخش و انتشار طرح خود مختاری هیئت نمایندگی خلق کرد از راست یو تلویزیون، در مقاله "ما و جنبش مقاومت خلق کرد" در همان شماره کار آمده است. هرگونه صلح پایداری در کردستان باید متضمن به رسمیت شناختن ارگانهای خود مختار مسلح توده‌های باشند که طبق طرح صلح کردستان می‌باید مسئولیت حفظ انتظامات داخلی منطقه کرد نشین کشور را بر عهده گیرند.

مجموعه مواضع فوق و حرکتی که "سازمان چریکها" بر مبنای این مواضع در ارتباط با جنبش مقاومت خلق کرد در پیش گرفته بود - صرف نظر از زاویه دید لیبرالی در برخورد به جناحهای "بورووازی" و "خرد" بورژوازی هیئت حاکمه و از حرکت ارتجاعی "خرد" بورژوازی به بورژوازی بنام بردن از جانب "سازمان چریکها" - در مجموع بیانگر موضعی انقلابی^(*) می‌باشد از جانب این سازمان در برخورد به هیئت حاکمه و مبارزه و مقاومت خلق کرد بود. در کاردهمین مواضع است که شاخه کردستان سازمان چریکهای فدائی خلق طیرم کرد شرکت در مواضع رهبری سازمان بعد از اشغال سفارت آمریکا توسط "دانشجویان بیرو خط امام" بوجود آمد و نقطه شروعش مقاله "چرا مرکز جاسوس آمریکا تسخیر شد؟ چرا نخست وزیر مستخب امام سقوط کرد؟" در کار ۳۰ مورخ ۲۱ آبان ۵۸ بود. در اعلامیه‌ای که بتاريخ ۳ آذر ۵۸ تحت عنوان "ضد امپریالیستهای واقعی چه کسانی هستند؟" منتشر نمود مواضعی اتخاذ می‌کند که مقایسه آن با مواضع امروز سازمان چریکهای فدائی خلق بسیار جالب است. در این اعلامیه چنین می‌خوانیم: "در طول مدت پس از قیام ما از یکطرف^(**) - پایتخت در صفحه بعد

امپریالیسم می‌داند، ثانیاً از جناح ولایت فقیهی آن یعنی خرد، بورژوازی حاکم به نام جناح ارتجاعی‌تر رژیم که می‌خواهد یک دیکتاتوری فاشیستی بسازد تمهیل کند و در اواخر مرداد ۵۸ دست به شیبه کودتازد (فرمان خمینی مبنی بر جهاد علیه "تکبار" در کردستان و اعلام به عهد مکرر تن فرماندهی کل توأاز طرف او) نام می‌برد. دیکتاتوری فاشیستی، ای که حتی لیبرالها و محافظه کاران میانه رو را نیز در امان نخواهد گذاشت در مورد مضمون مبارزه خلق کرد و خواسته‌های آن سازمان چریکها در بخش دوم همان مقاله در کار شماره ۲۳ از رژیم ممانعت از عمده شدن جنبه ملی مبارزه و دامن زدن به مبارزه طبقاتی صحبت می‌کند و می‌گوید "۰۰۰ عمده کردن مسئله ملی در این شرایط معادل است با تن دادن به گرایشهای ناسیونالیستی و تنگ نظرهای خرد، بورژوازی ما معتقد نیستیم که مسئله ملی در کردستان جدا از پیروزی انقلاب دمکراتیک خلق در سراسر ایران قابل حل است و تن دادن به گرایش ناسیونالیستی جز مخدوش کردن مبارزه طبقاتی تحمیل توده‌ها و منحرف کردن ذهن آنان از دشمن اصلی خویشی شری نخواهد داشت. هر گس که به موقعیت استراتژیک منطقه و به موقعیت کنونی مبارزه طبقاتی در ایران اندک آشنائی داشته باشد نمی‌تواند امیدوار باشد که خلق کرد می‌تواند خارج از چارچوب ایرانی آزاد و دمکراتیک به حاکمیت دمکراتیک دست یابد." (تأکیدات از ماست)

سازمان چریکهای فدائی خلق - شاخه کردستان در مورد مذاکره و شروط آغاز آن در اعلامیه‌ای بتاريخ ۱۸ آبان ۵۸ (مدرج در کار ۳۶) شش شرط قائل شده است که عبارتند از پذیرش اصل خود مختاری کردستان از طرف دولت، آزادی فوری زندانیان سیاسی و لغو حکم تبعید مبارزان کرد

مبارزه با امپریالیسم جدا از مبارزه با و نژاد نژاد نیست

شاهد درگیریهائی بین این دو جناح (منظور جناح بورژوازی و خرد" بورژوازی است - توضیح از ما) در درون هیئت حاکمه بر سر داشتن سهم عمده از قدرت بودیم و از طرف دیگر ناظر موضع یکسان آنان در امر سرکوب خشن در برابر حرکت عتودمهای - زحمتکش مردم و نابودی آزادیهای دمکراتیک ... شدیم " - مچند خط بعد در رابطه با حرکت ضد امپریالیستی تودمها و برخورد هیئت حاکمه با آن آمده است " در این بین حرکت ضد امپریالیستی مردم کاملا آشکار و شگوهند است بنا بر این در مرحله کنونی که تضاد درون حاکمیت تشدید گشته و فاصله گیری تودمها از حاکمیت رو به آنگ گذشته است ، درست بر این اساس برای تحکیم حاکمیت از تالیلات ضد امپریالیستی تودمها سو استفاده شده و آگاهانه می کوشند که احساسات تودمها را به انحراف بکشانند و " در این چند روز اخیر دیدیم که آنها تمام سعی خود را در این امر گذاشته اند که تالیلات ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی تودمها را به خدمت بگیرند تا تضادهای درون حاکمیت را بنفع خود تمام کرده - حمایت موقتی تودمها را با شور آفرینی و عوامفریبی هلند مانند نحوه خوانی و سینه زنی در جهت تصویب قوانین ارتجاعی خبرگان بکار گرفته و در ضمن توده ها را با به انحراف کشاندن جهت مبارزانشان در خدمت خود بگیرند " در این اعلامیه در مورد حرکت امپریالیسم آمریکا در رابطه با ایران و رابطه هیئت حاکمه با آن آمده است ؛ " ... خلق هشیار ما می دانند و بد رستی آگاه است که حرکت ناوگان دریای

تیر نویس صفحه قبل

البته این برخورد به بخشی از مواضع سازمان چریکها است و بطور اصولی نباید آنها را از سایر مواضعشان جدا کرد ما بعدا در ادامه بحث خود و رابطه میان جنبه های مختلف مواضع آنها خواهیم پرسد اخت و علت تفسیرات بوجود آمده در همین مواضع آنها را توضیح خواهیم داد

نی آمریکا یک مانور غیر واقعی و یک تهدید توخالی است ... علاوه بسیاری از مردم ما می دانند که هیئت حاکمه که مناقش تا این حد با امپریالیسم گره خورده است اجازه نمی دهد که تجاوز نظامی امپریالیسم به خاک کشورمان را به آسانی باور کنیم ... به خلقمان هشدار می دهیم که یگانه شیوه دخالت آمریکا در ایران و تنها شکل حراست مناقش غارتگران بیادیه کردن کلاه سبزه و تفنگداران دریائی آمریکائی نیست سیاستهای امپریالیسم با ما آموزد که بیوند غارتگران داخلی و خارجی همستر ، برسود ترو بسی خطرناکتر است " چند سطر بعد ادامه می دهد " خلق ما باید برای مقابله با تمامی دسیسه های امپریالیست ها و سرسپردگان مستقیم و نیز کسانی که ظاهرا ضد امپریالیستند ولی از طریق سرکوب کارگران و زحمتکشان خادم واقعی آنها هستند ، آمادگی رزی خود را حفظ نمایند کسانی که می خواهند از ناوگان دریائی آمریکا ، غولی بسازند و تمامی وهنهارا به انحراف بکشانند و حمایت مضمونی تودمها را جلب کرده و بیا فریب توده های ما ، خواسته های ارتجاعی خود را تحبیل کنند ، نمی توانند در صفوف خلق قرار بگیرند ، در این شرایط تاریخی ... خلق رزمند و کرد ... اجازه نخواهد داد با فریب افکار تودمهای ایران ، تمامی مسائل را هیئت حاکمه تحتالشعاع حملات موهومی آمریکا قرار دهد ... " در آخر اعلامیه سازمان چریکهای فدائی شاخه کردستان ، به مشخص کردن موضع خود راجع به جناح های هیئت حاکمه و برخورد مدافعان در زمین طبقه کارگر و تودمها در قبال آن می بردازد و می نویسد ؛ " در عین حال اعلام می کنیم که در مبارزه ضد امپریالیستی صف ما از موضع دو جریان مدعی مبارزه با امپریالیسم بروشی جدا است . نخست از آن جناح از حاکمیت که در ضمن مخالفت با امپریالیسم حملت ماهیت ارتجاعی و تضری خود صد چندان بسه سرکوب کارگران و زحمتکشان و هواداران آنها میردند

از دوازده تا بیست و یک اصل و احساسات اصیل توده‌های مردم
 امپریالیستها برای تحکیم پایه‌های قدرت خود و -
 سرکوب رنجبران سو استفاده می‌نمایند و نیز مو-
 ضع‌ها مشخصاً در مقابل آن مدافعان در زمین طبقه
 کارگر مردم و توده قرار دارد که با شارلانتائس
 و هوجس بازی مبارزات ضد امپریالیستی توده‌ها را -
 منحرف ساخته و به بهانه ضد امپریالیست بودن این
 جناح از حاکمیت، ضد کارگر بودن آنها لاپوشانی
 می‌کند و حزب توده ایران این به اصطلاح مدافع
 طبقه کارگر، با سیاستهای ضد کارگری خود در عمل
 خادمتراز سرمایه‌داران به سرمایه‌داری است آنها
 خود را در صف خلق جا زده و از پشت خنجر مزینت
 آنها به بهانه حمایت از موضعگیری به اصطلاح ضد
 امپریالیستی هیئت حاکمه از گاه گوه ساخته آشتی
 طبقات را تبلیغ نموده و توده‌ها را به تطاهرات -
 مصنوعی و خدعه آمیز فرا می‌خوانند و به جای مردم
 برای مردم قطعنامه می‌نویسند و می‌کنند آنها از پیرو
 امپریالیسم مترسکی ساخته‌اند برای آشتی طبقات و
 برای تن دادن به حکومت سرمایه‌داران، برای بیفروا-
 موش سیردن آژدهایهای دیکتاتیک یامال شده در
 ایران و حق خود مختاری خلقها آنها بر باور توده
 ها مکارانه نهشته‌اند و صلح دوستی و آشتی طلبی
 سازشکارانه را تبلیغ می‌نمایند آنها خاد میسین
 سرمایه‌داران در صفوف خلقهای ستندیده و کارگران
 و رنجبران ایران هستند (تاکیدات دو خطی از متن
 اصلی و تاکیدات با سبک خط از ماست)
 به این ترتیب مشاهده می‌کنیم که شاخه کردستان
 سازمان چریکیا به خلق کرد هشداری می‌دهد که
 فریب جناح ظاهراً ضد امپریالیست "هیئت حاکمه
 که دارای ماهیت ارتجاعی و قشری" است و برای
 تحکیم پایه‌های قدرت خود و سرکوب رنجبران از
 تمایلات و احساسات ضد امپریالیستی توده‌ها سو-
 استفاده می‌کند نخورد، تهدید آمریکا را جدی تلقی

نکند زیرا منافع هیئت حاکمه با امپریالیسم آمریکایی
 گره خورده است و بنا بر این تنها شیوه دخالت
 آمریکا پیاده کردن سرباز در ایران نیست و امپریا-
 لیستها از طریق پیوند با غارتگران داخلی بهتر به
 مقصود می‌رسند و بالاخره اینکه کسانی که به بهانه
 موضعگیری به اصطلاح ضد امپریالیستی هیئت حاکمه
 از گاه گوه می‌سازند آشتی طبقات و ... را تبلیغ
 می‌کنند، خادمین سرمایه‌داران در صفوف خلقها و
 کارگران ایران هستند

آغاز نوساز

اتخاذ این مواضع در شرایطی است که هنوز گره‌ها
 بر است سازمان چریکیا فدائی خلق در پیچ مساوی
 طبقاتی ایکه در جامعه جریان دارد و در هر حلقه
 از روند حرکت اش ماهیت واقعی نیروهای سیاسی
 مختلف جامعه را بر ملا می‌کند، در تمام جوانب و به
 طور کامل در تمام بدنه سازمان انعکاس پیدا نکرده
 و تشبیت نشده بود.

شاخه کردستان هنوز در هوای مشی رادیکال
 (هر چند غیر پرولتری) گدشته بود و سازمان خود
 را پیشروترین و انقلابیترین سازمانها به حساب می‌آورد
 و سوار بر مرکب پیروزی آنها یک تاز میدان مبارزه میدید
 اعتلای انقلابی و جو بالای مبارزاتی موجود در کرد-
 ستان هنوز اجازه نداده بود نظرات جدید روز-
 یونیستی رهبری در این بخش سازمان جذب شود
 و از آنجایی که آنها به تبعیت از رهبری سازمان نخواستند
 (نخواستند؟) شور انقلابی خود را با نوشیدن از سرچشمه
 تئوریهایی زوال نایب بر مارکسیسم - لنینیسم
 با منافع طبقه کارگر و توده‌های زحمتکش پیوند دهند
 و سمت حرکت خویش را بسوی آرمانهای طبقه کارگر
 بگردانند، ذهن خود را از تنگنای غیر و ضد پرولتری
 پالایش دهند، پس با ناچار تفکر شبه مارکسیستی
 خود را در معرض تئوریا و نظرات روز یونیستی

رهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی انقلاب دیکتاتیک ضد امپریالیستی
 خلقهای ایران است

(بورژوازی و خرده بورژوازی) قرار دادند و سمت حرکت خویش به سوی طبقات غیر پرولتر را حفظ کردند و بالاخره در پیچ تندی از مبارزه طبقاتی و قدرت نمایی خرده بورژوازی، دچار سرکجه شده و مقهور حرکت آن شدند. آنها یکباره خود را مواجه با مسئله‌ای که تا حدی "نازکی" داشت و تغییری در مسیر حوادث که کمی غیره منتظره و پیش‌بینی نشده بود و سر موشی و برای مدت کاملاً کوتاهی مبنی اصلی تکامل را تغییر داده بود...
 می‌بینند و شعار "هدف‌نهای هیچ ولی جنبش همه چیز" (برنشتین) را سر می‌دهند و به ناچار "سیاست روزنیستی" (که عبارت است از تعیین روش خود از واقعهای تا واقعگدایگر، تطبیق حاصل کردن با حوادث روز و با تغییرات وارد در جزئیات سیاسی، فراموش کردن منافع اساسی پرولتاریا و

ماست) نشان می‌دهد که چرا آنها از انجام یک مبارزه ضد امپریالیستی اصولی ناتوانند و همچنان وحشت زده از مبارزه انقلاب کارگران و ۰۰۰ شکست انقلاب دمکراتیک و ضد امپریالیستی را از قبیل تضمین کرده‌اند.
 "ریگای گل" شماره ۳ بتاريخ ۱۵ دی ۵۸ در مقاله "مبارزه ضد امپریالیستی و جنبش مقاومت خلق کرد" می‌نویسد: بخش عمده حاکمیت، علیرغم مواضع ضد امپریالیستی خود به هیچ وجه دارای ظرفیتی نیست که این مبارزه را در جهت منافع واقعی کارگران دهقانان و سایر اقشار خلق به پیش براند، زیرا خرده بورژوازی گرچه با سرمایه‌داری انحصاری در تضاد است ولی اساساً خواهان نابودی سیستم سرمایه‌داری نیست.

تا اینجا "شاخه کردستان" هنوز در حال نوسان است. به عبارت دیگر در حالیکه نسبت به مواضع اعلامیه "چه کسانی ضد امپریالیست‌های واقعی هستند" دچار تردید و تزلزل شده است، ولی به قول معروف گاهی به میخ و گاهی به نعل می‌زنند. "مدعیان مبارزه ضد امپریالیستی" که "ظاهرًا ضد امپریالیستند" نمی‌توانند در صفوف خلق قرار بگیرند (اعلامیه چه کسانی ضد امپریالیست‌های واقعی هستند بتاريخ ۳ آذر ۵۸) در ۱۵ دی ۵۸ دارای مواضع ضد امپریالیستی می‌شوند - هر چند از مبارزه ضد امپریالیستی اصولی ناتوانند و دارای ظرفیت پیشبرد این مبارزه در جهت منافع واقعی کارگران، دهقانان و سایر اقشار خلق نبوده (دیگر این چه مبارزه ضد امپریالیستی است؟! و خواهان نابودی سیستم سرمایه‌داری نیستند!

خصایر اصلی کثیرم سرمایه‌داری، فدا کردن این منافع در مقابل منافع آبی، واقعی یا فرضی، را در پیش می‌گیرند. به این ترتیب رویه‌ای که از این بیعد شاخه کردستان چریک‌های فداکار خلق در پیش می‌گیرد همان است که لنین بطور درخشانی راجع به روزنیستیم و رویزیونیست‌ها تصویر می‌کند. توجه کنیم!

"ریگای گل" شماره ۱ بتاريخ ۲۶ آذر ۵۸ در مقاله خود می‌گوید: روحانیت حاکم که عنان مبارزه امپریالیستی را بدست گرفته و می‌کوشد از این مبارزه جهت تثبیت مواضع خویش در قبایل سایر قطب‌های حاکمیت و تخفیف بحران اقتصادی - سیاسی استفاده کند، بنا به ماهیت خود نا پیگیری، تزلزل و دکانگی در تمام حرکات آن به چشم می‌خورد. در چند سطر بعد "این وضع (خصوصیات خرده بورژوازی سنتی و حاکمیت سرمایه‌داری وابسته در ایران - توضیح از

تبدیل نوسان به گردش بر سر است

« نقل به معنی از مارکسیسم روزنیونیستیم - لنین یک جلدی ص ۲۳
 « مارکسیسم روزنیونیستیم (تاکید از ما است)

ولی روشن است که این موضع نوسانی و بی‌تابی نمی‌توانست زیاد دوام آورد و بایستی به سود موضع انقلابی و مارکسیستی و یا موضع رفورمیستی و روزنیونیستی

است . شاخه کردستان چریکهای فدائی خلق به تبعیت از رهبری (جریان روزینویستی درون سازمان) " با حوادث روز و با تغییرات وارده در جزئیات سیاسی تطبیق حاصل کرده " ، دچار " فراموشی " نسبت به منافع اساسی پروتاریا شده ، این منافع را فدای منافع آنی و واقعی یا فرضی نموده است و ... و خلاصه روزه (سیاست) روزینویستی پیشه ساخته است . شاخه کردستان گردش بر است را بپذیرفته است ! اما این نام قضیه نیست " حرکت انطباقی " روزینویستی شاخه کردستان و اصول کل سازمان چریکهای فدائی خلق (رهبری) هنوز کامل نشده است . هنوز سیاست روزینویستی و روزینویسم در تمام جوانب و زوایا و بطور کامل تفکر حاکم بر سازمان چریکها را اشباع نکرده است ، هنوز روند " انطباقی " ادامه دارد و بسوی " تکامل " راه می پیماید . گرایش قسوی روزینویستی موجود در سازمان یا استفاده از پیچیدگی و تکامل مبارزه طبقاتی درون جامعه و " به همین " زمینه فکری مناسب موجود در بدنه سازمان بطور اجتناب ناپذیر و به سرعت نظرات ضد مارکسیستی و سموم ایدئولوژیک پروژوائی را در سطح کل سازمان توسعه و گسترش می دهد . سمبگیری طبقاتی سازمان چریکهای فدائی خلق روشنتر و روشنتر می شود . به دنبال چندین ماه که از " تند پیچ " روند مبارزه طبقاتی (اشغال سفارت و جریانات بوجود آمده در ادامه آن) میگذرد ، تلاطم موجود در بطن جامعه ظاهرا فروکش می کند و اوضاع کما بیش به شکل عادی بر میگردد . سازمان چریکهای فدائی خلق ترجیح بدهد جدیدی پیدا می کند : مبارزه علیه لیبرالها به عنوان دوستان و جاسوسان امپریالیسم و پایگاه عمده و برقراری سلطه آن در ایران و نسبت دادن هرگونه حرکت

" منظور وجود نقطه نظرات و گرایشات روزینویستی در سازمان از گذشته دامن زدن بیشتر از طرف رهبری در طول مدت اخیر است .

شکسته میشد . چنین نیز شد هر چند این امر متاسفانه بطور منطقی (در روئیدی که حرکت سازمان چریکها به خود گرفته بود) بنفع موضع روزینویستی نیستی انجام گرفت . " ریگای گدل " شماره ، مویخ ۲۹ دی ۵۸ در مقاله " چرا از برقراری صلح در کردستان دفاع می کنیم ؟ " موضع رهبری سازمان (در واقع گرایش روزینویستی سازمان) را بپذیرفته و با ارائه نظر موجود در مقاله " چرا مرکز جاسوسی ... " مندرج در کار ۳۵ چنین می گوید : " اعتقاد داریم مبارزه موجود میان خرد و پروژوائی و پروژوائی لیبرال بعنوان پایگاه امپریالیسم (۱) بر خلاف تصور اپوزونیسم چپ صرفا یک مانور و تاکتیک جهت فریب توده ها و تحکیم مواضع حاکمیت نیست ... این مبارزه هم اکنون توده ها وسیع زحمتکشان را بیدار می کشاند و آگاهی سیاسی آنها را وسیعاً رشد داده است ... در همین حال طبقه کارگر مانع است تا آنجا که خرد و پروژوائی گرایشات ضد امپریالیست از خود نشان می دهد در مقابل لیبرالها از او حمایت نماید " (تاکید از استماتال البته مقاله متذکر می شود که طبقه کارگر باید استقلال خود را حفظ کرده " و دمکراتیسم خود را نباید با ایده های مه آلود خرد و پروژوائی درهم آمیزد " واقعا چه گذشت که شاخه کردستان در اعلامیه ۳ آذر ۵۸ خود بطور صریح و روشن و در شماره های او ۳ " ریگای گدل " بطور ضمنی و خجالتی حرکت جناح خرد و پروژوائی حاکم را ، برای تحکیم حاکمیت و فریب توده ها و سرکوب آنها می شرد و از سو استفاده ده آن از تمایلات و احساسات ضد امپریالیستی توده ها صحبت می کند ولی یکباره (یکباره ؟) در ریگای گدل شماره ۴ در ۲۹ دی ۵۸ این نظر را " اپوزونیسم چپ " قلمداد می کند و از حمایت از خرد و پروژوائی که حرکت آن باعث بالا رفتن آگاهی سیاسی توده ها شده است دم می زند . اگر این مسئله برای خود مدافعان " روشن نیست برای مارکسیست - لنینیستها روشن

رویزونیسم را در هر پوششی افشا و طرد کنیم

ضد انقلابی و ارتجاعی به آن در کار این ترجیح نهند حمایت از مبارزه ضد امپریالیستی خرده بورژوازی حاکم و تطهیر تمام حرکات ضد خلقی و ضد انقلابی آن. اما روشن است که تلاطم و مبارزه طبقاتی در عمق جامعه ادامه دارد و بازه شکل دیگری در سطح آن ظاهر می گردد و سازمان چریکهای فدائی خلق نیز دوساره دچار تلاطم و نوسان میگردد. تئوری که بر "فدائیان" حاکم است و سیاستی که ایشان دنبال می کنند نمی تواند همان مبارزه ضد لیبرالی را نیز از دیدگاه پرولتاریا به پیش ببرد و در نراز دیگری از حوادثی که سرعت در جامعه شکل می گیرد ماهیت واقعی خود را نشان خواهد داد. خواهش ما اینست که مبارزه "ضد لیبرالیستی" فدائیان چیزی جز هیاهو و سرودهای بیش نیست و تنها پوششی است برای گردن زدن راست آنان. تلاطم و مبارزه طبقاتی ادامه می یابد و رژیم حاکم برای تثبیت خود به چاره جویی های جدیدی متوسل میگردد. توهم توده ها به سرعت شکسته می شود در انتخابات ریاست جمهوری و انتخابات مجلس شورای تعداد رای دهندگان به نصف می رسد. در کردستان توده ها هر روز بیشتر آگاه و متکلم می شوند و مبارزه انقلابی شان گسترش می یابد رژیم هرگونه پایگاه مردمی خود را در آنجا از دست می دهد. در ترکمن صحرا دهقانان از طریق شوراهای خویش حاکمیت انقلابی شان را اعمال می کنند، دانشگاه به سنگر، بلانهای نیروهای انقلابی و کمونیست تبدیل می شوند مبارزه طبقه کارگر و سایر اقشار شهری باز هم گسترش می یابد. هیئت حاکمه نتوان از حل بحران سیاسی- اقتصادی حاکم در جامعه و درگیر با تضادهای درونی (میان جناحهای آن) و تضادهای بیرونی (اختلافات با آمریکا در نتیجه مسئله کروکنا) به دنبال سرکوب مبارزات رشد یابنده توده ها و یافتن ابزارهای جدیدی برای حفظ توهم توده ها و کشاندن آنها به دنبال خویش جهت تثبیت موقعیت خود است. اولین قدم با سرکوب خلق ترکمن توسط هیئت حاکمه برداشته -

می شود سازمان چریکهای فدائی خلق به سازماندهی جهت مقاومت در مقابل یورش ارتجاعی هیئت حاکمه دست نمی زند و بعد هم توده ها را با یک مناظره و تلویزیونی دلخوش می کند و ملتسانه از بن صدر خوانده هان معرفی عاملین قتل رهبران خلق ترکمن می شود. هیئت حاکمه قصد برداشتن گام بعدی را در کردستان دارد. اما اینجا به سادگی ترکمن صحرا نیست باید برای آن تدارک دید. ابتدا تحریکات شروع می شود و فاجعه "قه لاتان" آفریده می شود. ارتش دست به نقل و انتقالات می زند. و بالاخره بهانه مناسب بدست می آید. اختلافات با عراق بالا می گیرد و هیئت حاکمه آگاهانه به آن دامن می زنند تا از این طریق اولاً ذهن توده های مردم در سراسر ایران متوجه "تجاوز عراق" گردد و ثانیاً توجیه مناسبی برای حمله به کردستان تحت پوشش بمباران "با تجاوز عراق" بدست هیئت حاکمه می آید. به این ترتیب یورش جدیدی که از مدت ها پیش تدارک دیده شده بود به اجرا در می آید. اما لازم بود دانشگاه کمپانیست بطور کلی پاکسازی میشد و برنامه آن از مدت ها پیش ریخته شده بود فوراً سرکوب شود تا صدای رسایی برای اعتراض به کشتار و سرکوب خلق کرد بلند نشود. در این بین تجاوزهای کومترهای آمریکائی به خاک ایران و برنامه توطئه کرانه آنها برای بودن گروهگانشما ابزار تبلیغاتی دیگری در دست هیئت حاکمه قرار می دهد تا ذهن توده ها را بیاثت و آنها را به دنبال و تأیید برنامه های ضد انقلابی و ضد خلقی خویش در قبال جنبش آوج یافته خویش توده ها بکشاند. این وقایع و جریانات بر بستر تلاطم و مبارزه طبقاتی موجود در جامعه فراز دیگری از روند حرکت انقلاب و ضد انقلاب در جامعه ما و صف بندی و قطب بندی نیروهای سیاسی فاسد در آنست. در این فراز دو موفه برجسته و چشمگیر است. از یکطرف انقلاب و توده های انقلابی بورژوازی و خرده بورژوازی حاکم را به هراس انداخته اند و این حاکمان برای حفظ موقعیت و منافع طبقاتی

خوش‌وسیما برای ممانعت از حرکت انقلابی جامعه و سرکوب آن طرح ریخته با استفاده از هر وسیله ممکن طرحشان را به اجرا گذاشته و می‌گذرانند. از سوی دیگر میان حکومت و نیروهای خارجی (آمریکا و عراق) اختلافات بالا گرفته و تهدیدهای از جانب آنها متوجه این حکومت شده و ظاهراً ایران در آستانه تهدید فوری و آتی آنها قرار گرفته است. در این میان حکومت آگاهانه و در خدمت برنامه خوش‌د اطراف این تهدیدها "سرودها" به راه انداخته و با تمام قوا آنها بسیار بزرگتر از آنچه هست نشان می‌دهد. در این بین "حزب توده" نیز با هدف مشخص، دادن هیئت حاکمه بسوی شوروی و بلوک شرق و زمینه سازی فکری در میان مردم در ایمن رابطه با تمام وجود در برقریر تبلیغاتی خوش‌مد و نسبت به خطر آمریکا لا ینقطع هستند. در چنین اوضاع و شرایطی که باز پیشی در حرکت تسلط جامعه پیدا کرده است "حرکت انطباقی" رهبری سازمان چریکهای فدائی خلق باز هم "تکامل" می‌یابد. در فراز دیگری از این حرکت ابتدا نشانه‌ها بروز می‌کند و این نشانه‌ها در شکل‌گیری خوش‌مد در نقطه‌های بحرانی نوین به طرفه راست و بسوی روزنیو-نیسم تبدیل می‌شوند و تبلور خارجی می‌یابند. البته در این میان بطور طبیعی همچنان نوسانات و کج - سری‌های موجود در نظرات سازمان چریکهای فدائی خلق به وجود خود ادامه می‌دهند که در عین حال بیانگر عدم یکسانی و یکپارچگی خط مشی سازمان چریکهای فدائی خلق است. اما روشن است که نظرات حاکم و روندی که نظرات سازمان چریکهای فدائی خلق طی می‌کند، همان "حرکت انطباقی" است و سمت گیری آن بسوی روزنیو نیسم عیانتر می‌شود.

در اواخر سال گذشته (۵۸) و اوایل سال جدید ترجیح‌بند سازمان چریکهای فدائی خلق در رابطه با هیئت حاکمه عبارت است از ائتلافی و ستا

و جاسوسان امپریالیسم در هیئت حاکمه خواهان ممانعت از مبارزه ضد امپریالیستی و کندن آن هستند و در رابطه با کردستان انشای محافل جنگ افروز که می‌خواهند جنگ دیگری را به خلق کرد تحمیل کنند. البته این دوستان و جاسوسان امپریالیسم در هیئت حاکمه علی‌العموم همان "محافل جنگ افروز" هستند. دوستان و جاسوسان امپریالیسم و محافل جنگ افروز را اعلامیه شاخه کردستان به مناسبت ناجعه "قلاتان" بتاريخ ۱۷/۹/۵۹ اینگونه معرفی می‌کند "اینک شواهد و مدارک زیادی در دست است که نشان می‌دهد که نوکران امپریالیسم که در درون شورای انقلاب ارتش و پاسداران جاسوسان هستند، جنگ خونین دیگری را به خلق ما تحمیل خواهند کرد" و در همان اعلامیه انشائه می‌کند "توطئه‌های امپریالیستی در کشور روز به روز ابعاد گسترده‌تری پیدا می‌کند. تحمیل مجدد جنگ به خلق کرد یکی از این توطئه‌هاست آنها می‌خواهند مبارزات ضد امپریالیستی مردم میهنمان را منحرف کنند تا پیش از این بازرگانها، بهشتی‌ها و خانمهای مدنی‌ها و ۱۰۰۰ این جاسوسان امریکایی برای مردم افتا نشوند".

در "خبر" نشریه دفتر ستندج شماره فوق‌العاده در خبر مربوط به ستندج بتاريخ ۲۹/۱۱/۵۸ محافل مذکور را اینگونه معرفی می‌کند: "۱۰۰۰ به تحریک شورای انقلاب (این ارگان سرمایه‌داران وابسته به امپریالیسم) فرماندهان مزدور ارتش ضد خلقی و قشربین مرتجع، پاسداران و جاشها به کامیاران بی‌ورش برده و ۱۰۰۰ به اشکال مختلف می‌کوشند جنگ دیگری را به مردم ما تحمیل کنند".

آنچه فدائیان در نقل قولهای فوق می‌خواهند بگویند اینست که جناحی در هیئت حاکمه است که دوست و جاسوس امپریالیسم است و خواهان برافروزی ختن جنگ در کردستان است. طبق ترجیح بنده

پیش بسوی مبارزه آیدنولوزیک ضامن وحدت جنبش کمونیستی

فدائیان" در این دوران مبنی بر ضرورت انشای لیبرالها بعنوان پایگاه عبده امیرالیم ، این جناح همان جناح بورژوازی هیئت حاکمه است .

جناح دیگری نیز وجود دارد که دوست و جاسوس امیرالیم و جنگ افروز نیست که منطقی (منطقی فدائیان) بایستی جناح خرده بورژوازی حاکم باشد . ما فعلا به این نمی پردازیم که از فدائیان بیرسم نمایندگان سیاسی خرده بورژوازی " صلح طلب " بنحی از خمینی در حکومت چه کسانی هستند و چرا آنها را معرفی نمی کنند . و منظور از " تشر - یون مرتجع " (ضد امیرالیمت ؟) چه کسانی هستند و چگونه نوکران امیرالیم در شورای انقلاب (و " دولت ") ارتش و پاسداران جا خوش کرده اند یعنی همان امور را در دست دارند ولی " خرده - بورژوازی در حکومت دست بالا را دارند " . ما فعلا از این آشفته فکری و گج سری و ابهام گویشی می گذریم تا بنیمم مواضع سازمان جریکهای فدائی خلق چگونه میر می کند و روند " انطباقی " آن به کجا می رسد .

جاسوسان امیرالیم " و " محافل جنگ افروز " و لیبرالها (با همان مضمونی که در انتشارات قبلی بود) کم کم رنگ می بازد و به یکسری انتقاد های آبی و نصیحت های لیبرالی به هیئت حاکمه کشید . می شود و به موازات آن استدلالات نوع حزب توده ای شکل هر چه آشکارتری در نوشته های آنها پیدا می کند . آن نیروی اصلی سرکوب کننده انقلاب و نیروهای انقلابی دیگر نه هیئت حاکمه و نه حتی " دوستان و جاسوسان امیرالیم " و " جناح های جنگ افروز " بلکه دستجات بالیزبان و اویس " و یا " وابستگان به عراق " معرفی می شوند و تهدید واقعی برای شکست انقلاب و برقراری سلطه کامل امیرالیم نه ناشی از عملکردها و برنامه های گروه اول بلکه مستقیما و جدا از واقعیات موجود در جامعه و حرکت هیئت حاکمه از جانب گروه دوم و تلاش های مذبحخانه آنها نشان داده می شود .

کار ۷/۵/۱۷ اردیبهشت رساله خود تحت عنوان " سیمه های آمریکا و دوستان و جاسوسان آن دامنه وسیعتری می گیرد . . . " دیگر کوچکترین صحبتی از شورای انقلاب و رئیس جمهور به عنوان دوستان و جاسوسان آمریکا نمی کند . در این نوشته صحبت از حرکت امیرالیم آمریکا برای " بقدرت رساندن دوستان و جاسوسان خود " میشود و تنها از " فعالیتها و اقدامات نفاق انگیز حزب جمهوری اسلامی و سایر محافل که خون شهیدای خلق را ریشخورد آرمانهای فرصت طلبانه و قدرت طلبی خود قرار داده اند " کلمه می کند و می گوید " این محافل به جای مبارزه با امیرالیم آمریکا دانشجو - یان انقلابی دانشگاهها را به خون می کشند . . . به جای انشای سیمه های دشمنان مشترک همه مردم ، یعنی امیرالیم آمریکا و متحدان داخلی آن علیه نیروهای انقلابی . . . به هر اقدامی دست می زنند . . . " واقعا رهبرای فدائیسان خود می دانند چه می گوید و دیروز چه گفته است .

چگونه گردن سپه راست به " انطباقی کسب حاصل نزدیک می شود .

نگاهی به شماره های مختلف " کار " در اوایل سال ۵۸ و اوایل سال ۵۹ نشان میدهد که بتدریج نظرات سازمان جریکهای فدائی خلق بیش از پیش از موضع انقلابی تنبی می شود و رنگ مارکسیستی سابق خود را از دست می دهد . به عبارت دیگر نظرات فوق هر چه بیشتر بسوی تحریف واقعیات و وارونه جلوه دادن آنها در رابطه با هیئت حاکمه و ماهیت عملکرد آن و در نتیجه تبلیغ آنتی - طبقاتی سوق پیدا می کند . انشای " دوستان و " - " رنگی گول " شماره ۳ - ۱۰ دی ماه ۵۸ مقاله " مبارزه ضد امیرالیمستی و جنبش مقاومت خلق کرد "

خه کردستان سازمان هنوز کاملا خطر رهبری را جذب نکرده و بعلاوه جنبش مقاومت و مبارزه انقلابی موجود در کردستان در مقابل اوج سرکوب و وحشیگری هیئت حاکمه در کردستان، اجازه نمیدهد "فدائیان" در کردستان بتوانند مواضع آشکارا سازشکارانه و آشتی طلبانه رهبری سازمان را منعکس کنند نگاه به خیرنامه‌های ستندج و مه‌باد طی دورانی که جنگ به شدت در کردستان جریان داشت مسئله را روشن می‌گرداند .

خبر شماره ۷۲ ستندج به تاریخ ۵۱/۲/۸۶ می - نویسد "شورای ضد انقلاب و رئیس‌جمهور جنگ طلب با پیبودن راه درازی که خود در پیش گرفته‌اند اکنون به سمنطه و توجیه روی آورده‌اند" . خبر شماره ۷۰ ستندج مورخ ۵۱/۲/۱۰ مینویسد "آنها (فرمانده‌های جنگ امروز مسئولین جنگ طلب مملکت - توضیح از ماست) سیاست هوجس و جماق را بکار بستند ، وده میدهند و سرکوب می‌نمایند ولی خلق آگاه کرد را نمی‌توان فریب داد، مردم ما فریب و تیرنگ این حاکمین و عوامل وابسته به امپریالیسم را بخوش درک کرد ماند ."

خبر شماره ۶۴ ستندج (۵۱/۲/۸) مینویسد: "خلقهای میهنمان اکنون به خوبی به ماهیت ضد خلقی شورای ضد انقلاب و عوامل امپریالیسم پی‌برده‌اند" خبر شماره ام‌باد تاریخ ۵۱/۲/۸ مینویسد "بنی‌صدر و شورای انقلاب و دیگر دوستان و جاسوسان امپریالیسم . . . با دسیسه‌چینی‌ست مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا را تغییر داده و . . . و چند سطر بعد اضافه می‌کند "اینک بنی‌صدر و شورای انقلاب قدم در راه شاه نهادماند" خبر شماره ۵ مه‌باد بتاریخ ۵۱/۲/۶ در خبر راجع به طبعی می‌نویسد: "نوکران و وابستگان به امپریالیسم که از عادی‌گرین رابنه با امپریالیسم آمریکا ناامید شدند و . . . با توطئه‌چینی طرح حمله به دانشگاه‌ها ، نیروهای

دوستان و جاسوسان (یا به قول شاخه کردستان نوکران امپریالیسم) که در درون شورای انقلاب ارتش و پاسداران جا خوش کرده بودند و شوروی انقلاب که "ارگان سیاسی سرمایه‌داران وابسته به امپریالیسم" بود ، پس چگونه امپریالیسم می‌خواهد دوستان و جاسوسان خود را بقدرت برساند ؟ چگونه شد که دوستان و جاسوسان و نوکران امپریالیسم فقط نفاق افکنی می‌کنند و به فکر آریانه‌های فرصت طلبانه و قدرت طلبانه هستند ؟ چگونه مارکسیستها "اصولی" ما از "دوستان و جاسوسان و نوکران - امپریالیسم" خواهان ، مبارزه با امپریالیسم آمریکا را انشای دشمنان مشترک همه مردم شدند ؟ اگر از این همه آشفته فکری و گیج سری در واقع از این همه اپوزوتیسم بگذریم که چگونه رهبری سازمان جر - یکهای فدائی خلق بیرون کوچکترین توضیح و انتقاد از خود هفته به هفته مواضع خود را عوض می‌کند و به روی مبارک خود هم نمی‌آورد باید بگوئیم این مواضع نوین چیزی جز بیان تعدیق‌گردش به راست و انطفاق باز هم بیشتر مشی و مواضع سازمان چریکهای فدائی خلق بر روی بومین و رفرمیسم نیست در شرایطی که هیئت حاکمه با تمام قوا به سرکوب انقلاب و نیروهای انقلابی پرداخته و خودش دست امپریالیسم آمریکا و عوامل رنگارنگ آن را برای تعاون و توطئه باز گذاشته است و در خدمت اهداف آن قرار گرفته است در سرفا - لهایکه راجع به اوضاع جامعه نوشته شده کوچکترین انشاکاری راجع به واقعیات جامعه نیست و سرفا - لیه با حملات گستاخ و سب و برخورد های به غایبست آشتی طلبانه و سازشکارانه با هیئت حاکمه ضد خلقی می‌گویند تصویر مخدوشی در ذهن تو دهن. تو دهن از اوضاع جامعه و صف‌بندی‌های درونی آن ترسیم کند .

این چنین رهبری سازمان چریکهای فدائی خلق کام به کام به سوی رویزیونیسم نزدیک می‌شود و لسی انعکاس آن در همه بدنه سازمان یکسان نیست . شای

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

انقلاب را بدست آید ی حزب جمهوری استانی
به مورد اجرا گذاشته و به منحرف کردن مبارزات
ضد امپریالیستی پرداخته . (تاکیدات همه جسا
از ماست)

مثل اینکه شاخه کردستان سازمان چریکهای
فدائی خلق هنوز " نیدانسته " رهبری سازمان
دست از " چپ روی " مبرداشته و دیگر نباید از شوری
ضد انقلاب با ماهیت ضد خلقی بعنوان جاسوسان -
و دوستان امپریالیسم که قدم در راه شاه گذاشته
اند و علیه نیروهای انقلابی و مبارزات خلقها توطئه
میکنند و مبارزات ضد امپریالیستی تودمها را به
انحراف می کشانند صحبت نمود و فقط بایستی از
" نفاق انگیزی " های حزب جمهوری اسلامی کلمه
کرد . آنها را محترمانه نصیحت کرد که چرا بسا
امپریالیسم آمریکا مبارزه نمی کنند و دسیسه های
دشمنان مشترک مردم را افشا نمی سازند . اشخاصه
کردستان هنوز " شوجه نشده " که رهبری سازمان بهسرت
در حال تکمیل " انطباق " حرکت خود (با رونیویو -
نیسم) و نشان دادن ایده آستی طبقاتی بجای مبارزه
طبقاتی است .

اما این " بی توجهی " و " عدم اطلاع " زیساد
طول نخواهد کشید ، رهبری سازمان با یک چرخشی
آشکار که دیگر هر بچه مدرسه ای نیز متوجه آن خواهد
شد و پشت سرگذاشتن نقطه عطفی در حرکت خود
بسوی رونیویویسم ، شاخه کردستان و همه " بی خبران "
را متوجه غلطیدن خود در رهبریسم و رونیویویسیسم
خواهد ساخت . ظاهرا " شرایط مناسبی " بسوی
انجام قطعی گردشیده راست فراهم آمده است .
پروژوازی لیبرال و نماینده مکار آن بنی صدر در بساغ
سبز نشان داده است و قولهای مساعدی در
صورت به " سرقت آمدن " به " رهبران " داده است
بعلاوه فشار سرکوب حکومت تاب " پرولتری " ا رهبران
بخش عمده جنبش کمونیستی " ما را طاق کرده -
است و آنها را از " درگیرهای بیبوده " و " گمشده
های خرد کننده " خسته کرده است . آنها از

این جو " خصومت " جدال مداوم به تنگ آمد مانند
و خواهان محیط " صلح و صفا " و " مبارزه ضد
امپریالیستی متحدانه همه نیروها " هستند . و در
واقع تزلزل و ناپیگیری و ماهیت منس و تفکر خود
و پایگاه و خواستگاه طبقاتی خود را در مبارزه
سخت طبقاتی نشان میدهند .

و در ادامه چندین جنبه فدی
نگذشت که " کار " ۵۹ پروژه در مقالات " بسرای
مقابله با امپریالیسم آمریکا اتحاد همه زحمتکشان
یک ضرورت تاریخی است (سرقاله) ، " سخنان
رئیس جمهور و تلاشها برای استقرار صلح عادلانه
در کردستان " و " کارگران باید با افزایش
تولید و بهره گیری کار مانع تبلیغات نفاق انگیزانه
دشمنان خود شوند " نقطه عطف و حرکت " انطباق "
سازمان چریکهای فدائی خلق و حاکمیت جریسان
رونیویویستی در این سازمان را اعلام نمود
و بفاصله یک هفته در حرکت عملی سازمان چریکهای
فدائی خلق در ارتباط با کردستان در انتشار
پیام مشترک با حزب دمکرات کردستان و مواضع
بنیادین تسلیم طلبانه و انحرافی آن متبلور گردید .
سازمان چریکهای فدائی خلق در پیام مشترک " کار "
۵۹ پرچم سفید تسلیم و سازش را به اهتزاز در -
آورد و همه نیروهای ضد انقلابی و ارتجاعی از
هیئت حاکمه گرفته تا " حزب توده " خائن " را به
شوق و شعفا واداشت . " حزب توده " دورنمای
" روشنی " را در مقابل خوش مشاهده نمود
و با تمام قوا به دفاع از " دستاورد " نویسن
سازمان چریکهای فدائی خلق " و تعمیق " آن
بلند شد .

رهبری سازمان چریکهای فدائی خلق
در حرکتی شتابان
بسوی " حزب توده "

ما برای نشان دادن اینکه رهبری سازمان چریکهای فدائی خلق با روی آوردن به بنی صدر را از

سیاسی آن از ابتدا و همواره بر این بنا قرار داشته و به جرات میتوان گفت هر فرد صادق و مبارزی میتواند به سادگی از روی برخورد آن به مبارزات خلق کسوف به ماهیت و منی ضد انقلابی و ضد خلقی "حزب خود" بی بیورد . یکی از آخرین برخوردهای "حزب تسوده" به اوضاع کردستان و جنبش مقاومت خلق کرد مقاله "در کردستان چه میگذرد" مترجم در "نامه مردم" شماره ۲۵۰ است . در این نوشته نویسندگان آن موزانه میگویند و واقعیت مسلم در کردستان یعنی مقاومت و مبارزه خلق کرد در مقابل یورش سرکوب هیئت حاکمه را بصورت فعالیت عناصر سرسپرده و مسز دوران امپریالیسم مانند پالیزسان و - اویسی و وابستگان به رژیم فاشیستی عراق جلوه دهند و سرکوب جنبش مقاومت خلق کرد را توجیه کنند. یعنی همان تبلیغات ارتجاعی هیئت حاکمه را به خسوف مردم می دهند. "حزب توده" واقعات را در این مقاله به اوج رسانده و میگوید "امروز کردستان بصورت مهترین سنگر عملی و علقی ضد انقلاب ایران در آمده است" و خبری سازمان چریکهای فدائیی خلق نیز که اکنون تسلیم ظلی و سازش را در دستور کار خود قرار داده است ، امروز همین تبلیغات ضد انقلابی را البته بصورت خجولانه در کار الا خود تکرار میکند و در سرمقاله کار الا میگوید "فرماندها ت فراری ارتش از قبیل اویسی ، پالیزبان به کمک سرما - پد اران فراری و امپریالیسم جهانی هزاران (!) مزدور را سازماندهی کرده ، تلاش دارند با بهره گیری از ناراضیتهایی که وجود دارد بویژه در بخشهایی از غرب ایران (کردستان - پیکار) یک پایگاه دائم ضد انقلاب مستقر سازند" (تاکید اناز ماست) و در چند سطر بعد اضافه می کند "بسر چنین زمینهایست که سازمان چریکهای فدائیی خلق ایران، با احساس مسئولیت تمام و با تاکید بر خطرات جدی که جنبش ضد امپریالیستی میلیونها زحمتکش ایران

شاخه حمایت از خرد و بورژوازی به شاخه حمایت از بورژوازی بریده است و در "نتیجه مبارزه" آن علیه لیبرالها بعنوان دوستان و جاسوسان امپریا - لیسم چیزی جز هیاهو و داد و قال برای پوشاندن کردش به راست (سوی رویزیویسم) نبوده است، دیگر وارد برخورد مفصل و مشخص به نظرات "کار ۵۹" در ارتباط با کردستان و همچنین "پیام مشترک" نمی شویم ، در ادامه مقاله ما تنها برای نشان دادن روشنتر ماهیت رویزیویستی گرایش چاکم بر رهبری سازمان چریکها که ضمن آن همان سازش با بورژوازی است به مقایسه ای میان نظرات اخیر سازمان چریکهای فدائی خلق در رابطه با کردستان با نظرات "حزب توده" در این زمینه می پردازیم و در آخر نیز مفهوم "صلح ظلی" و "صلح عادلانه" ای که امروز این سازمان بعنوان ترجیح - بند خود در رابطه با کردستان قرار داده است را در پرتو مارکسم - لنینیسم مورد بررسی تفسیر خواهیم داد

"حزب توده" به سیاقی همیشگی خود و بدلیل ماهیت ارتجاعی همواره کوشیده و واقعیات را وارونه یا مخدوش جلوه دهد تا ذهن توده ها را نسبت به دوستان و دشمنان انقلاب منحرف سازد و راه را بر آن تحق اهداف ضد خلقی باز نماید . برخورد این داور دسته به جنبش مقاومت خلق کرد و نیروهای

"توضیحات همین مقاله راجع به روند فکری سازمان چریکهای فدائی خلق و همچنین بیانیه کمیته کردستان سازمان ما راجع به "پیام مشترک" به علاوه اعلامیه "چگونه سازمان چریکهای فدائی خلق برای برقراری صلح عادلانه در کردستان تلاش می کند؟" "به حد کافی روشنتر هستند و لزیم تکرار آن نیست و رفا را به این بیانیه (مترجم در پیکار ۱۵۸ و اعلامیه فوق مراجعه می دهیم"

مارکسیسم - لنینیسم را پیام روزی و یگار بندیم

" صلح طلبی " ریزیونیستی

۲

صلح از دیدگاه مارکسیسم - لنینیسم

و اما راجع به "صلح طلبی" ای که رهبری "فدائیان" آنقدر از آن دم می‌زنند و اصولا برخورد مارکسیستها با مسئله جنگ و صلح لازم است مختصری صحبت کنیم. رهبری "سازمان فدائیان" که رسالت رهبری جنبش کمونیستی را برای خود قائل است و از روی "مسئولیت می‌خواهد" به جنگ در کردستان خاتمه دهد نه از زاویه‌های مارکسیستی و انقلابی بلکه از زاویه‌های فریمیستی و تسلیم‌طلبانه با این مسئله برخورد می‌کند. این امر مسلم و روشنی است که نیروهای سیاسی فعال در کردستان هیچیک (البته از زاویه‌های مختلف) خواهان شروع جنگ در این مقطع نبوده و این هیئت حاکیه ضد خلقی بود که به دلایلی که نیلا ذکر کردیم جنگ را بر خلق کرد و نیروهای سیاسی آن تحمیل نمود. اینرا "سازمان فدائیان" نیز قلا بارها و بارها بیان کرده است. بنا بر این تنها یک راه فری مبتذل است که "سازمان چریکها" با "مسئول" - خواندن خود (و حزب دمکرات) می‌خواهند انقضای کند که نیروهای دیگر (کومه، پرسکار و...) غیر "مسئول" و به اصطلاح "جنگ طلب" یا "جنگ افروزند" بنا بر این مسئله بر سر "مسئول بودن و یا "جنگ افروز بودن نیست، مسئله بر سر درکی است که هر نیرو از برقراری صلح و قطع جنگ اراغی می‌دهد و مشی است که چنین درکی از آن ناشی می‌گردد. مسئله اینست که آیا با آگاهی به ماهیت نیروهای درگیر و آنچه درگیری بر سر آن بوجود آمده به شیوه‌های انقلابی "صلح" را جستجو می‌کنیم و عمل می‌نماییم و تودمها را با این آگاهی و شیوه آموزش می‌دهیم یا درین سازش و تسلیم به قیمت فریب تودمها و وارونه جلوه دادن حقایق برای آنها به گدایی "صلح" می‌رویم و پیشانی به درگاه

را در مخاطره قرار داده است به تلاش همه جانبه برای قطع فوری جنگ و خونریزی در کردستان دست زده و مصمم است با همکاری نیروهای هرتیخواه و مسلح طلب خلق کرد، برای استقرار صلح عادلانه در کردستان بیش از پیش کوشش کند. اگر بخواهیم مفهوم جملات فوق را از صورت شرمگینانه آن در آروم و نظرس واقعی نهفته در آنرا بطور صریح بیان کنیم جمله فوق چنین می‌شود که جنبش مقاومت خلق کرد جنبش ضد امپریالیستی میلیونها زحمتگن ایران را با خطرات جسدی مواجه کرده و بنا براین لازم است با تمام قوا به آن پایان داد و مانع شد کردستان که پایگاه ضد انقلاب شده است بصورت پایگاه دائم آن درآید. اینست مفهوم واقعی نظر رهبری سازمان چریکهای فدائوسی خلق که همان تبلیغات ارتجاعی "حزب توده علییه" جنبش مقاومت خلق کرد و تکرار آن بصورت خجولانه است.

اینست چرخش فاطحانه این رهبری بسوی ریزیونیسم و فریمیسم و غلطیدن در روزه تسلیم و سازش خوشت آقایان مارکسیستهای "امولی" جواب دهند که چگونه در کار ویژه کردستان شماره ۳۰ تاریخ ۱۴ اردیبهشت ۵۸ اظهار می‌کنند "یاد آری خلق کرد در برابر تهاجم وحشیانه ارتش بخشی از یاباری همه خلقهای ایران در برابر امپریالیسم آمریکا و همه متحدان داخلی آن است" و "مبارزه و مقاومت در مقابل تهاجمتو حشیانه ارتش در کردستان یعنی ضربه زدن به امپریالیسم و کمک به پیشبرد مبارزه ضد امپریالیستی - دمکراتیک توده‌های پیا خواسته ما و امروز این مبارزه و مقاومت را بعنوان خطی برای جنبش ضد امپریالیستی میلیونها زحمتگن و ۱۰۰۰ قلمداد می‌کنند که باید هرچه زودتر به آن خاتمه داد؟ آیا جستز اینست که این منافع طبقاتی رهبری سازمان چریکهای فدائی خلق است که در اثر اراج گویی و رشد جنبش مقاومت و مبارزه انقلابی خلق کرد دچار مخاطره شده است؟

بورژوازی می‌سازیم. مسئله اینست که آیا ما بعنوان کمونیست ماهیت طبقه‌ای ————— که دست به جنگ می‌زنند و سیاستی که جنگ ادامه آنست را برای تود مها توضیح می‌دهیم و چگونه بدست آورده صلح واقعی را به آنها می‌آموزیم یا بعنوان لیبرال و تسلیم طلب بر همه اینها سرپوش می‌گذاریم و فریاد "صلح طلبی" و "قطع جنگ" برادر کشی "سر می‌دهیم" نین می‌گوییم "ما باید بتوانیم این مطلب را به تود مها توضیح دهیم که شاخص جنبه سیاسی و اجتماعی جنگ "حسن نیت" افراد و دستجات (از جمله آقای بنی صدر و محافل "صلح طلب" هیئت حاکمه — پیکار کردستان) و حتی تودهای مردم نبوده، بلکه وضع طبقه‌ایست که جنگ می‌راند، سیاست این طبقه است که جنگ ادامه آن می‌باشد (وظایف پرولتاریا در انقلاب ملیک جلدی ص ۱۱) تأکیدات از لنین (۱) همچنین لنین در مقاله "نحستین کنگره" کنسوری شوراها را نمایندگان کارگران و سربازان مینویسد "هر قدر که شما خواهان صلح باشید، هر قدر هم که محدودی شما نسبت به زحمتکشان و نمایان شما نسبت به صلح صادقانه باشد ۰۰۰ باز هم ناتوانید، زیرا جنگ را جز از راه بسط آنی دانسه انقلاب از طریق دیگری نمی‌توان پایان داد" (یک جلدی ۰ صفحه ۴۷۸ تأکید از ماست)

بنا بر این می‌بینیم که بر خلاف رهبری سازمان فدائیان از نظر مارکسیسم — لنینیسم اولاً آغاز یا خاتمه جنگ را نه "حسن نیت یا حسن نیت این یا آن فرد یا دسته‌ای از افراد (محافل) بلکه وضع طبقه‌ای که جنگ می‌راند تعیین می‌کند و این جنگ هم ادامه سیاست آن طبقه است و ثانیاً برقراری صلح (واقعی) را نه "حسن نیت" (رهبری سازمان چریکهای فدائی خلق) و نه شناها و خواهشهای آن از هیئت حاکمه بلکه تنها بسط دامنه انقلاب است که به ارمان می‌آورد. صحت این حکم داهیهانه لنین را ما بطور زنده و روشنی در تجربه همین جنبش مقاومت خلق کرد در سال گذشته دیدیم. دیدیم که چگونه

وقتی جنبش مقاومت در سطح تود مها گسترش یابست و ضربات بی دریغی بر پیکر نیروهای سرکوبگر رژیم وارد کردید و آنها را در آستانه شکست کامل قرار داد (بسط دامنه انقلاب) هیئت حاکمه مجبور به اعلام آتش بس و لزیم برقراری "صلح" گردید و دیدیم تنها در نتیجه این مقاومت و مبارزه بود که برای مدتی ماشین سرکوب هیئت حاکمه در کردستان از حرکت باز ایستاد. امروز نیز طبق احکام مارکسیسم — لنینیسم و تجربه مشخص جنبش مقاومت خلق کرد تنها با بسط دامنه جنبش (انقلاب) در کردستان و در سراسر ایران است که میتوان ماشین جنگی هیئت حاکمه را متوقف و بالاخره نابود ساخت و صلح واقعی را برای تود مها کسب نمود.

در این صورت دیگر جستجوهای رهبری سازمان چریکهای فدائی خلق در هیئت حاکمه بدنبال جناح "و محافل صلح طلب و حسن استقبال آن از گفته‌ها" و "اما آیین محافل و سردادن فریادهای صلح طلبانه و نصیحتهای "دلسوزانه" و "مسئولانه" آن به این محافل چیزی جز تسلیم طلبی و سازشکاری چیزی جز فریب تود مها، چیزی جز ایورتونیم و ریزیتونیم و سر فرود آوردن در مقابل بورژوازی و دست کشیدن از مبارزه انقلابی نیست. برخورد های کنونی سازمان چریکهای فدائی خلق به جنگی که اکنون در کردستان درگیر است جدا از سایر برخوردها و مواضع این سازمان در رابطه با مسائل دیگر کردستان و کسب این مواضع جدا از مشی حاکم بر این سازمان نیست

ما می‌گوئیم در شمارهای بعد پیکار کردستان به بروی سایر جوانب حرکت سازمان چریکهای فدائیان خلق (گذشته و حال) در رابطه با کردستان از جمله برخورد آن نسبت به هیئت نمایندگی خلق کرد و نیروهای سیاسی فعال در کردستان پیگرد ازیم



مبارزه دهقانان "سلیمان کندی" ...
 ... زندگی پر زحمتشان تمام شده،
 بهتر از گذشته زندگی خواهند نمود و دیگر جیره نخواهند بود از
 خانه و کاشانه خود آواره شوند. فکر می کردند که
 بالاخر آنها هم ظلم و ستم مالکان ده روزم شاه تمام
 شده و آنها می توانند صاحب زمین، آب، بقدر و
 وسایل کشاورزی باشند و بر روی زمین خود شکار کنند.
 این زحمتکاران در انتظار بر آورد شدن حقوق
 خود بودند ولی تنها و تنها وعده های رژیم
 جمهوری اسلامی را می شنیدند. هنوز جنس
 بدولت داشتند تا اینکه این رژیم به سندج حمله
 کرد، آنجا را به خاک و خون کشید و توطئه علیه
 خلق کرد و گسترش داد. دولت حاکم به هر کسی
 که حق می خواست "ضد انقلاب" می گفت و برای
 خلق کرد "تجزیه طلبی" را به آن علاقه نمود.
 وضع اقتصادی مملکت آنقدر خراب می شد که زحمت
 کشان کرد نیز در شهر های بزرگ و کوچک ایران
 دیگر کاری پیدا نمی کردند. دهقانان فقیر و خوار
 نشینان دهات، دیگر آهی در سینه نداشتند، بهر
 حال حکومت نه تنها بفرغ زحمتکاران کرد کاری انجام
 نمی داد بلکه با حمله بکردستان همه جا را ویران می
 ساخت و محاصره اقتصادی، بیشترین فشار را بدوش
 زحمتکاران از جمله دهقانان ستمدید می انداخت.
 با یورش های وحشیانه دولت بکردستان مبارزات
 در کردستان اوج می گرفتند ستاوردهای انقلاب ایران
 را گسترش میداد. رند مبارزه در منطقه باعث بالا
 رفتن آگاهی توده ها می شد. دهقانان مبارز کسود
 نیز در این مبارزات شرکت میکردند و با عناصر مبارزان
 جمله پیشمرگان، تماس میگرفتند. به این ترتیب آنها نیز
 بتدریج به ماسخ خود آگاه میشدند و بتدریج
 متوجه میشوند که این رژیم برای آنها کاری نخواهد
 کرد. آنها یاد بگیرند و ستم مالکان در دولت جمهوری
 ری اسلامی را تحمل نمی کردند. دهقانان "سلیمان
 کندی" جزو این دسته از زحمتکاران کردستان بودند

کعلیه ستم مالکان دهه مبارزین خاستند. بیستم آنها در
 چه شرایطی زندگی می کنند و چگونه علیه مالکان
 مبارزه می نمایند:

روستای سلیمان کندی در ۳۰ کیلومتری شهر
 سنقر است. در این آبادی ۴۰ خانوار خوش نشینان و
 ۳۰ خانوار کشاورز و سخاواران این زندگی می
 کنند. اکثریت جمعیت با خوش نشینان است که در
 فقر و بد بختی روزها را به شب می رسانند. زندگی
 دهقانان فقیر به سختی می گذرد. بدترین زمینها
 در اجاره این دهقانان است و بعضی از آنها حتی
 صاحب یک درخت هم نیستند. سالهای گذشته
 خوش نشینان و حتی بعضی از کشاورزان کم زمین
 در تهران، رفسنجان و سایر شهرها کار می کردند
 تا خانواده خود را از گرسنگی نجات می دادند و لیبسی
 در کمال گذشتند. در این شهرها کار کم پیدا میشد
 و کارگر بیکار هر روز بدبختی بیشتری می شد. به این علت
 خوش نشینان و دهقانان فقیر "سلیمان کندی" دیگر
 به شهرهای دور نمی روند و در اطراف آبوکان، سنقر و یادز
 خود آبادی دنبال کار میگردند. بعضی از این
 زحمتکاران ماهها سنگ می کارند و بقول خودشان حتی
 پلنگی و خواربار در خانه شان پیدا نمی شود. در مقابل
 این زحمتکاران، اربابان زندگی متوسطی دارند. طبق
 اصلاحات ارضی "رزم شاه خائن، زمینهای دیسی
 و آبی مرغوب در اختیار آنها قرار گرفته اند. اکنون
 در این زمینها درختان میوه، چنار، بید کاشته اند.
 این مالکان با رژیم شاه هم دست بستند و با رژیم جمهوری
 ری اسلامی نیز همکاری ندارند و نسبت به جنبش
 مقاومت هم بی تفاوت اند. با این وجود به روستائیان
 ظلمهای زیادی کرده اند و زحمتکاران "سلیمان کندی"
 کینه شدیدی نسبت به مالکان در دارند و منافع
 خودشان را در تضاد با آنها می بینند.
 دیدیم که این روستائیان از افشار مختلف
 هستند. بعضی کارگر بیکارند، بعضی زمین کسی

مبارزه ملی از مبارزه طبقاتی جدا نیست

دارند و بعضی دهقانان میان حال هستند - هر کدام از این اقتدارمناهی خاصی دارند و نمی توانند بعنوان پلته طبقه ، سیاست و برنامه خاص داشته باشند و پلتههایی قادر نیستند خود را از دست طبقه سی برهاندند . بهمین دلیل به سازمانهای سیاسی و روشنی میشوند . در این رابطه ، دهقانان "سلیمان کندی" در اوایل بهار ۱۹۰۹ از پیسگران سازمان بیکار خواستند . کدهم صادره زمین و زمینها آنها را کلاه کشیدند . پیسگران سازمان بدعت این روستائیان به آبدی رفتند . آنها را اولین برخورد دیدند که اکثر روستائیان خواستند . هان صادره زمین به پلته مالکان هستند . و در میان آنها خوش نشینان قاطعه و نخواستگان بیکری میباشند . پیسگران روی ضرورت وجود آمدن شورای روستائیان تاکید کردند . دهقانان خواستند که پیسگران شور را تشکیل بدهند ولی از ابتکار امتناع کردند . به نظر آنها اگر کارهای این ترتیب بجزیره درست در واقع شورای صورت یکنه شورای مردمی ششده در می آمد آنها به نقد بر نداشتند . هفتادان باید از روی نیاز واقعی به لزوم داشتن شکل بر بنیاد و آنها با کار سیاسی - تبلیغی در میان مردم آبادی این حرکت را ترویج خواهند نمود .

در همین روز دهقانان در مورد ترکیب شورا بحث کردند . بین زمینها شرکت کشاورزان را در شورا جایگزین ندانستند و معتقد بودند که کشاورزان قاطعیت نخواهند داشت و به سبب خوش نشینها هم توجه لازم نخواهند کرد . در این صحبت ، دهقانان میان حال و تقییر بیشتر مسئله سن و ثروت اعضای شورا را هم چسبیده دادند و گفتند که اعضای شورا ، چنین مشخصه باید داشته باشند . به این ترتیب کشاورزان ترس و ترس از خود را نسبت به کارگران روستائیان دادند . پیشتر - مرگان بیکار به محافظه کاری کشاورزان اشاره کرده و تند روی خوش نشینان را هم نادرست ارزیابی کردند . آنها برای صادره روستائیان زمینهای مالکان ، اتحاد تمام دهقانان را ضروری دانستند و روی آن تاکید کردند .

بعد از چند روز ، اعلی سلیمان کندی "شورای ۷ نفری تشکیل دادند این ۷ نفر خوش نشین و کثرت ویز بودند . پیسگران این شورا را تائید کرد و موازات پیشینان نمودند . آنها بر این عقیده بودند که با وجود خوش نشینان در این شورا ، این تشکیل - شورای یک شکل توده ای واقعی را بهد خواهد نمود . بعد از تشکیل این شورا ، کار صادره در - ختان و زمینها شروع شد . سیاست شورا نسبت به مالکان در ادر میس بود . چرا ؟ گفتیم مالکان در "جاش" نبودند ولی ، بر روستائیان شرمزاد میگردند . باید راهی انتخاب میشد که اولامهت این مالکان را پوشش ندهد تا آنها باطر فهد ستوری با دولت نمی رفتند . در این رابطه پیسگران با دو نفر از اربابان (علی خان سعید خان) و چند نفر از متحدین و شورای آبادی جلسه گذاشتند و در این جلسه راجع به تقسیم درختها اداره زمینها صحبت نمودند . پیسگران سازمان اداره زمینها را از وظایف شورا دانستند . زیرا باین ترتیب اتحاد و یکپارگی روستائیان در مقابل اربابان و دولت محکمتر میشدند . امکان مکنه بزرگ کردن زمینها بیشتر میشد . این نظریه قبول شورا قرار گرفت . در مورد تقسیم درختها از مالکان خواسته شد که با روستائیان همکار می کنند در این رابطه به اربابا پیشنهاد شد که با پیسگران آنها را بپردازند و یا هر یک بجزان یک خاوار درخت داشته باشند مالکان حاضر بسسه پذیرش هیچیک از ایند و پیشنهاد نداشتند .

همه اعلی " سلیمان کندی" در میدان آبادی جمع شدند و به نتایج جلسه گوش دادند . آنها همگی تصمیم بودند و علیرغم مخالفت اربابها با تیر و از به طرف پیشه حرکت کردند . آنها با اتحاد و یک پارچگی به پیشه رسیدند . انگار به آنچه میدیدند باورند اشتند . با دقت به اطراف نگاه میکردند پیشه ای که تلاحق نداشتند در آن قدم بگذارند ، اکنون زیر پای آنها بود . روستائیان در این شادی سرور می خوانند آدای سرور ای رقیب "طنیک پیروز ی

رسیدن به حقوق خود خواهند ایستاد و تکرار کردند که اگر حزب می‌خواهد از اربابهای ده پشتیبانی کند باید همه مارا به رگبار ببندد. پیشمرگان حزب - دمکرات در برابر جو انقلابی ده و یکپارچگی روستا - نیان دیگر نتوانستند درآبادی باشند و بالاخره در میان اعتراض مردم روستای "سلیمان کدی" را ترک کردند در این جریان ماهیت حزب دمکرات - برای روستائیان ستم دیده مشخص شد.

از آن روز بعد هر روز تعداد زیادی از کارگران روی درختان کار کرده و مزد گرفته مردم از حرکت انقلابی خود بی اندازه خوشحال بودند. با عشق و امید برای خودشان کار میکردند. نوبت مصادره زمینها رسید و با توافق قبلی مصادره شروع شد. شورا برای هر ارباب به اندازه یک کشاورز مرفه زمین کشاورزی گذاشت و بقیه زمین را به مالکیت عموم خوشنشینان و کشاورزان کم زمین درآورد. چند خانوار کشاورز که زمین دبی داشتند با رضایت اسناد زمین هایشان را تحویل شورا داد و اعلام کردند که از آن به بعد خوشنشین خواهند بود. این جریان شورش بکری در بین اهالی بوجود آورد و آنها را به پیگیری حرکت انقلابی خوشنشینان سوق نمود.

مصادره زمین های مالکان ده عملی میشد که نیروهای سرکوبگر رژیم حاکم بار دیگر جنگ را به خلق کورد تحمیل نمودند و روستائیان ستم دیده را نیز درگیر این جنگ کردند. کردستان را از لحاظ اقتصادی نیز محاصره شد. این محاصره باعث کمبود سوخت گردید و روستائیان از جمله اهالی "سلیمان کدی" دیگر برای ترانکوور هاوسایر ماشینهای کشاورزی سوخت پیدا نکردند به این علت زمینها بوقوع شخم زده نشد و بذرها به اندازه لازم در اختیار آنها قرار نگرفت.

بدین ترتیب رژیم پشتیبان مستضعفین! راه امرار معاش روستای "سلیمان کدی" را تنگ نمود. در جریان یورش اهالی ده با وجود اینهمه کار و مشقت

روستائیان را بلند و بلند تر کرد. لحظه ای فراموش نشدنی بود در میان این شورو شوق زحمتکشان بود که یکی از پیشمرگان سازمان برای آنها صحبت کرد. او گفت که دهقانان تنها با اتحاد یکپارچگی توانستند به حق خود برسند و باید این همبستگی را عمیقتر کرد. روستائیان همگی حرف او را تصدیق کردند و به یکدیگر قول دادند متحد و پشتیبان یکدیگر باشند. این زحمتکشان تصمیم گرفتند که کمبختترین درخت بیشه را بریده و به مسجد آبادی هدیه دهند. با شکوه خاصی مراسم بریدن درخت به پایان رسید.

این درخت به نشانه وحدت اهالی اتحاد نام گرفت. گذاری شد و در میان شورو شادی مردم بمیدان آبادی برد شد. در این میدان قرار شد از فردای همان روز بریدن درختان بیشه شروع شود.

چند روزی بود که مردم همگی خوشحال و راضی مشغول کار در بیشه بودند و هنوز بخش عمده درختان باقی مانده بود که پیشمرگان حزب دمکرات تشکیلات سقز به دنبال شکایت اربابهای ده، به قصد جلوگیری از مصادره زمین و قطع درختان وارد ده شدند. آنان حرکت اهالی "سلیمان کدی" را نادرست و خلاف موازین حزب دانستند و به مردم گفتند: "چون حال من خواهم خود مختاری بگیرم به چنین حرکات تفرقه افکنانه نباید دست بزنم. از طرف دیگر دولت خودش قول داده است که در دهات اصلاحات ارضی بکند ما باید کاری نکنیم که قانونی نباشد".

حزب من خواست مالکان روستا را آشتی دهد با این دلیل آنها را از مبارزه بازم داشتند و همچنین به آنها می گفتند دولت جمهوری اسلامی سرفروخته خواست زحمتکشان جواب خواهد داد!!! روستائیان با اعتراض خود نشان دادند که این نظرات در تضاد با منافع آنها بوده و پیروی از این نظرات آنها را به بند دوباره مالکان و هیئت حاکمه ضد خلق خواهد کشاند. آنها فریاد زدند که قاطعانه سرای

کار برای کارگران، زمین برای دهقانان

باهوشیاری در حفظ دستاوردهای مبارزاتی خویش
کوشیدند و از مبارزات مردم سزنیز با کمال دلسواری
پشتیبانی کردند.

آری! روستائیان ستم دیده "سلیمان کندی" این
جنین برای رسیدن به حقوق خود مبارزه کردند.
در حال حاضر شورای ده پیگیرانه در انجام وظایف
خود می کوشد و زحمتمشان "سلیمان کندی" با تمام قدرت
از این شورا پشتیبانی می کند.

راهبران پیروزی



پیروزی پیشمرگان پیکار ...

(ارتش ضد خلق و پاسداران ارتجاع) وحشیانه با
تمام قوا به کشتار و سرکوب خلق کرد پرداختند خلق
کرد و پیشمرگان نهرمان آن برای حفظ دستاوردهای
مبارزاتی خویش یکپارچه بپا خواستند و مقاومت و
مبارزه‌های حماسه‌ای آوردند. سندانج، سقریانه و ...
جولگانها نبرد میان انقلاب و ضد انقلاب کردید و کوجه
و خیابان، ده دست و گوه خنانه شهر و روستا سحنه
این پیکار طبقاتی گردید.

هیئت حاکمه ضد خلقی با تمرکز قوای سرکوبگر خود
چند شهر را به اشغال خود درآورد و به خیال
خویش حاکمیت خود را در آن مناطق برقرار نمود
و دم از فرار "ضد انقلابیون" و "خنانه مسئله
کردستان زد". ولی وقتی مسلم است این نه یکسده
عناصر و گروههای مسلح بلکه خلق کرد است که برکاسب
خود مختاری و آزادی و استقلال ایران می جنگند،
دیگر بوجی و مسخره بودن ادعاهای رژیم جمهوری
اسلامی امر پوشیده‌ای نیست. نشانه‌های باز این
واقعیت، ادامه مبارزه و مقاومت مردم شهرهای اشغال
شده و ضربات جانانه پیشمرگان جنبش مقاومت بر
پیکر ارتش ضد خلقی و پاسداران ارتجاع در همان
مناطق است که جناب بن صدر دم از "حاکمیت
دولت" در آن مناطق و "پاکسازی آنها می زند."
از جمله این ضربات کاری و پیروزیهای خلق کرد

حمله پیشمرگان سازمان پیکار به يك روى ارتش در
جاده سقز - بانه در تاریخ ۲۵ / ۳ / ۵۸ است. شرح جریان
باین ترتیب است که پیشمرگان سازمان چهار روز متوال
در اطراف جاده در کمین نشسته بودند. در چهار
مین روز ساعت ۳ بعد از ظهر در نزدیکی روستای
"میرده" يك روى ارتشی را که به قصد کرده خان
حرکت می کرد و حامل ۱۴ سرنشین بود محاصره کرد
و به آن ایست می دهند. سرنشینان رو که داری يك
دستگاه کالیبر ۵۰ بود دست به مقابله می زنند. ولی
در همان ابتدا تعدادی از آنها کشته شد و بقیه
زیرین در نزدیکی سنگر میگیرند و به تیراندازی ادامه
می دهند. نبرد دلاورانه پیشمرگان که آنها را
در محاصره داشتند به مدت چهار ساعت ادامه
پیدا می کند. بالاخره پس از اینکه ۹ نفر از دشمن
کشته میشوند و ۵ نفر بقیه تسلیم می شوند که ۳ نفر
از آنها زخمی شده بودند. سرگیری با پیروزی
پیشمرگان خانه می باید. در این جریان مقدار
نسبتا مهمی اسلحه و مهمات از جمله يك قبضه کالیبر
۵۰ و مقداری فشنگ آن، ۱۲ قبضه فشنگ ۳ و
مقداری زیادی فشنگ آن، مقدار زیادی نارنجک
يك قبضه مسلسل ام ۳ هسراه با مقداری فشنگ و
وسایل دیگری بدست پیشمرگان افتاد.

این پیروزی موجب خوشحالی فراوان مردم روستا
های اطراف و همچنین مردم بوکان گردید و آنها
شدیدا از آن استقبال کردند.

در کسب این پیروزی که در نتیجه
فداکاری و از جانگدشتگی پیشمرگان بدست آمده
پیشمرگ تهرمان عطا طاطائی با عشق بیکران به
آرمان طبقه کارگر و سایر زحمتمشان و با فکر پیروزی
نهایی آنان مورد اصابت گلوله‌های دشمن قرار گرفت
و به شهادت رسید. علاوه يك پیشمرگ دیگر مورد
اصابت گلوله کالیبر ۵۰ قرار گرفت و دستش زخمی
گردید.

بعد از این پیروزی مزدوران ضد خلق که ضربه
جانانهای دریافت کرده به خشم آمده بودند، وحشیانه



خلق کرد شهدای بسیاری تقدیم انقلاب دمکراتیک - ضد امپریالیستی خلقهای ایران نموده است. شش شهید "سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر" نیز در زمره این شهیدان اند. ما با کرامت داشتیم شهدای راه استقلال و آزادی ایران برای بزرگداشت یاد ۶ شهید سازمان در کردستان قهرمان گوشه کوچکی از زندگی و مبارزه آنها را در پیکار کردستان "نوح میکس" یادشان گرامی و راهشان باید ارباب!



پیشمرگه شهید عبدالکریم شریسی

رفیق شهید در سال ۱۳۳۴ در شهر بانه متولد شد و دوران دبیرستان را تا کلاس ۱۱ در همین شهر گذراند و سپس در هنرستان مخابرات تهران دیپلم گرفت و به استخدام شرکت مخابرات درآمد. او اگر چه از خانواده مرفهی بود اما در لیون - تحصیل کار می کرد و با نظریه آزادی یکسان مبارزاتی اش ابتدا با حزب دمکرات همکاری می کرد اما بعداً منشی جرگی را پذیرفت و در جسرستان قیام پرتکود بهمین ماه همراه مردم قهرمان تهرسان در تصرف ساواک سلطنت آباد، یادگان عشرت آباد و کلانتری ۶ شرکت جست ۰ در ۲۸ مرداد سال قبل بهنگام یورش وحشیانه رژیم جمهوری اسلامی ایران جزو اولین کسانی بود که از تهران به کردستان رفت و در سازماندهی تظاهرات مسرّم مبارز سنج علیّه رژیم شرکت نمود. وی همچنین مدتی در کوههای اطراف بانه در جنگ مقاومت به مبارزه پرداخت. آشنایی بیشتر رفیق با زندگی کارگران و زحمتکشان او را با انحرفات منشی جرگی آشنا ساخت بهمین دلیل در تابستان ۵۸ بسا حوزه سنج سازمان ارتباط برقرار نمود، صد اکت انقلابی، شایستگی، کارآیی و ۰۰۰ رفیق سبب شد از سطح یک هوادار به کاندید عضو ارتقا یابد.

به روستاهای اطراف محل درگیری هجوم برد و بعد از اذیت و آزار مردم روستاها و تهدید آنها به قتل، عدای را بدون دلیل دستگیر می کنند. این بیان پستی ورنالت و همچنین ضعف نیروهای ضد خلق و ارتجاعی است که برای فرونشاندن خشم خود و ممانعت از حمایت بی دریغ توده های زحمتکش از پیشمرگان قهرمان، و حشیانه به مردم بیدفاع حمله برد و به اذیت و آزار آنها و از بین بردن - خانه و کاشانه آنها می برد. این اعمال ضد خلق ثابت می کند که هیئت حاکمه جمهوری اسلامی و ارتش و پاسداران آن هیچگونه بایگامی در میان خلق کرد ندارند و "حمایت" آنها از "مستضعفین" چیزی جز دروغ و عوامفریبی نیست.

خلق کرد همانگونه که تا کون نشان داده است تا کتب خود بخاری در چارچوب ایرانی مستقل و دمکراتیک به مبارزه انقلابی خویش ادامه خواهد داد و فرزندان پیشمرگ خود را در دامان پر مهر خویش همچنان حفظ خواهد نمود. زیرا آنها بشارت - دهنده برآورده شدن حقوق حق و آرمانهای مقدس هستند.

پیروز بساد جنبش مقاومت خلق کرد!



ده "رفت و شد پیدا مورد محبت و علاقه روستائیان قرار گرفت. او که در بیروش اول به صف هواداران سازمان پیسکار پیوسته بود در بیروش اخیر بعنوان پیشمرگه فعالیت در جنبش مقاومت شرکت جست و بالاخره در یک ماهوریت شبانه در ۱۶ اردیبهشت در جریان تصادف ماشین سازمان با ماشین سازمان چریکهای فدائیان خلق که مجبور بودند در شب با چراغ خاموش حرکت کنند، به شهادت رسید.

گرامی بساد پیادش!



پیسکارگر شهید لیلاردی

رفیق لیل اهل سنندج و دانش آموز سال آخر دبیرستان بود. او مبارزی فعال و پرشور بود که صادقانه در راه پیروزی خلق کرد و همه خلقهای ایران قدم گذاشت او در جریان شکل گیری "بنکها" در سنندج بعنوان عضو فعال بنک "تازه آباد" در راه بالا بردن آگاهی و تشکل مردم شهر به فعالیت پرداخت و در جریان بیروش ضد خلق اخیر به صف هواداران سازمان پیسکار پیوسته او که بعد از اشغال شهر توسط مزدوران ارتش و پاسداران برای ادامه فعالیتهای انقلابی در شهر مانده بود در تظاهراتی که از طرف مردم علیه سرکوبگران ضد خلق برپا شده بود دستگیر گردید. سرهنگ صدری فرمانده مزدور و چیاننگار یادگان سنندج در بازجویی از او به توهین به آرمانها و اعتقادات او پرداخت رفیق که زندگی را در راه آرمانهایش گذاشته بود در مقابل گستاخ، صدری جلاد جسورانه سیلی محکمی به گوش این جلاد کتیف زد، روز بعد (واسط خردان) جلادان او را به جوفه اعدام سپردند و خون پاکش را بر سرزمین دلاوری بیروش سنندج جاری ساختند. پیرشکوه بساد خاطرمان!

صدانت انقلابی، هشیاری و جسارت رفیق تو دما را پشتت جذب می کرد چندی پیش هنگامی که مردم غیرسنندج به حرکت ستون ارتش در دروازه شهر اجتماع کرده بودند، کاک کریم ضمن سخنرانی برای آنها گفت "ما تا آخرین قطره خونمان خواهیم جنگید و از خلق دلاور کرد دفاع خواهیم کرد" به حق که به گفتار خودش وفادار مانده خاطر کاک کریم همچون دیگر تهرمانان شهید زنده است و در یاد خلق کرد خواهد ماند. یادش را گرامی می داریم و راهش را با غم استوار ادامه می دهیم.

یادش جاودان باد!



پیشمرگ شهید نجم الدین شیخی

رفیق نجم الدین در سال ۱۳۳۵ در یک خانواده فقیر در روستای "مولان آباد" دیده به جهان گشود. او بعد از پایان دوره ابتدائی برای ادامه تحصیلات راهی شهر سقز شد. او به تدریج در برخورد با حقایق و واقعیات جامعه و مطالعه بیشتر به ماهیت رژیم وابسته شاه پی برد و در راه مبارزه قدم گذاشت. در جریان مبارزات عظیم خلقهای ایران در سالهای ۵۶-۵۷ شخصیت انقلابی رفیق شکوفه شد و فعالانه در مبارزات شرکت جست. بعد از قیام ۲۲ بهمن رفیق بعنوان یکی از اعضای فعال جمعیت طرفداران زحمتکشان سقز به انبای وظایف انقلابی خود ادامه داد و سپین بعنوان یکی از عناصر فعال اتحادیه دهقانی منطقه سقز در مبارزات دهقانی منطقه "تپه کو" و "تازه آباد" و با نقشه نقش به سزائی بعد گرفتار و در جریان مقاومت قهرمانانه مردم سقز در بیروش اول شجاعانه جنگید. در ادامه مبارزه اش او شغل معلمی را انتخاب کرد و به روستای "خابو -

کورد زیندوه

کس نه لی کورد مردوه



پیشمرگ شهید سمود ستایش

شهید سمود اهل سنندج بود و چون سایر جوانان انقلابی سنندج به مبارزه در راه برآوردن - خواستهای انقلابی خلق کرد و پیشبرد انقلاب دموکراتیک - ضد امپریالیستی خلقهای ایران روی آورد. او در پیوندن این راه به صفوف هواداران - سازمان پیکار حوزه سنندج پیوست و در اوایل امسال بعنوان پیشمرگ زندگی خویش را تماماً در راه مبارزه و برآوردن آرمانهای زحمتکشان قرار داد. او در جریان مقاومت قهرمانانه ۲۵ روز سنندج فعا - لانه شرکت جست و با مزدوران جنگید و بالاخره در حمله به ستون ارتش ضد خلقی روز ۱۷ خرداد بین راه کامیاران سنندج بعد از چند ساعت رزم دلورانه با مزدوران به شهادت رسید و نهال جنبش مقاومت خلق کرد و انقلاب ایران را بارورتر ساخت. درود به روان پاکش!



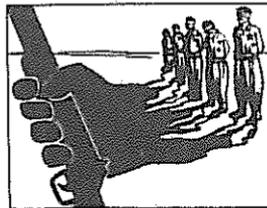
پیشمرگ شهید عطا طاطایی

پیشمرگ شهید عطا طاطایی بتاريخ ۱۳۴۰ در يك خانواده متوسط در شهر سقز بدنيا آمد. در مبارزات برشکوه ۵۷-۵۶ علیه رژیم مزدور شاه فعلا لانه شرکت کرد. بعد از قیام تاریخی ۲۲ بهمن به مبارزه خویش ادامه داد و در مقابل یورش ارتش ضد خلقی و یاساداران ارتجاع از طریق فعالیت های افشاگرانه و آگاهگرانه در میان توده ها در جنبش مقاومت خلق کرد سهم کردید. او در جریان - همین یورش به صفوف هواداران سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر پیوست و مصمتر از گذشته راه مبارزات خود را ادامه داد. او با عشق به آرمان طبقه کارگر و سایر زحمتکشان در حالیکه در سال آخر دبیرستان بود، مدرسه را رها کرد و به عنوان يك پیشمرگ اسلحه بدست گرفت و با تمام وجود در خدمت آنان قرار گرفت. در جریان یورش اخیر



پیشمرگ شهید حسن (امیر) فقیرو

رفیق حسن پرسنل انقلابی ارتش درجه دار کادر بود. او در برچورد خدمت می کرد. در دوران - مبارزه علیه رژیم شاه تحت تاثیر مبارزات مردم قرا ر گرفت و خواهان خدمت به آنها و قراردادن نیروی خود در راه نجات آنها گردید. به همین دلیل بعد از سرنگونی رژیم شاه با خوشحالی تفریح کرد استقرار رژیم جمهوری اسلامی مقدمه و عامل رسیدن توده های زحمتکشان به خواستهایشان خواهد بود اما عملکرد رژیم جدید او را که شدیدا به زحمتکشان عشق می ورزید متوجه ساخت که تحویش نادرست بوده است. به این جهت پیوند فکری خود را از رژیم برید و در جستجوی راه واقعی خدمت به زحمتکشان با هواداران سازمان پیکار در برچورد آشنا شد و با آنها تماس برقرار نمود. در این جریان او از تفکر مذهبی نیز برید و مارکسیسم - لنینیسم را بعنوان تنها ایدئولوژی واقعاً انقلابی پذیرفت و در تماس با هواداران سازمان به فعالیت های انقلابی مشغول شد. ولی بعد از مدتی فعالیت هایش برای فرماندهان مزدور آشکار گردید در این وضع او از ارتش فرار نمود و برای ادامه مبارزه به کردستان آمد و به سازمان پیوست. او در اینجا نیز فعالیت های مبارزه انقلابی خود ادامه داد و بالاخره در حمله به ستون ارتشی ضد خلقی روز ۱۷ خرداد بین راه کامیاران - سنندج زخمی گردید و بعد از نجات نماندانه توسط آنان در همان محله درگیری اعدام گردید. خاطره اش جاودان باد!



رفقای هوادار!
دوستان مبارز!

کمیته‌های مالی خود را از هر طریق
که می‌توانید بدست ما برسانید.

تفرقه و جدایی در صفوف جنبش مقاومت تلقی کرد، -
تفرقه و جدایی در صفوف جنبش مقاومت آنطور که
بعضی از نیروها امروز چنین عمل می‌کنند و ملامت
هدنی که رژیم همواره دنبال کرده یعنی ایجاد تفرقه
در میان خلق کرد، خدمت می‌کنند. در آخر
مردم با فرستادن درود به روان پاک شهید عطا
کوردستان را ترک کردند
خاطره‌اش گرامی باد!

او آگاهتر و استوارتر از گذشته برای دفاع از دستا-
ورد های خلق کرد فعالیت در جنبش مقاومت شرکت
جست و بیابا کرد در جریان حمله پیشمرگان سازمان
سازمان در ۲۵ خرداد در جاده سنز - بانس
در اطراف روستای "میرده" به یک خودرو ارتشی
ضد خلقی که به پیروزی پیشمرگان انجامید، دلاوری
به شهادت رسید. روز بعد مردم بوکان با تاتسر
فراوان و در حالیکه باران می‌بارید با تگس و
فراوان جنازه او را از مسجد بازار تا کوردستان شهر
بر روی دوش تشییع کردند. در آنجا به خاک سپردند
در کوردستان یکی از پیشمرگان سازمان بعد از گرا -
میداشت خاطره او به صحبت پیرامون اوضاع کردستان
پرداخت و یاد آور شد که خلق کرد تنها با ادب
مقاومت و مبارزه است که می‌تواند دشمن را بس
عقب نشینی وادارد و قطع جنگ را به او تحمیل
کند و نه با دست کشیدن از مبارزه و مقاومت و ایجاب



جاودان باد خاطره شهیدای بخون خفته خلق کرد